(بحرالجواهر هروی) عربی، فارسی، یونانی

موضوع: لغت طب

مؤلف: طبیب ماهر و لبیب باهر محمد بن یوسف هروی

آغاز: نا سفته تعد دم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند

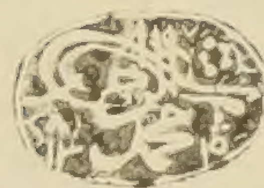
انجام: شراب سیب شیرین به شیرین شراب انار شیرین از هر یک هشتصد مثقال

اندازه: (۱۵) ۲۲×۱۳ برگ (۱۴۲)

خط نستعلیق جلد مقوایی عطف چرمی کاغذ زرد اعلا

نسخه ایست خوشخط و لطیف عناوین و لغات را با شنگرف نوشته اند





کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: قرابادین

مؤلف متن: ؟ محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۵

جزء کتب طب زبان فارسی عدد اوراق ۱۴۲

طول ۲۲ عرض ۱۳٫۵ شماره عمومی ۲۵۷۳۰

وقفی / خریداری تاریخ وقف / خریداری

ملاحظات نسخه ترجمه بحرالجواهر محمد بن یوسف هروی نیست

اندازهٔ نوشته: ۷×۱۶٫۵

حجة الاسلاما
بدر [illegible]   والمسلمین
بعهد الاسلام

عرض میشود خدمت سرکار ثقة الاسلام العلماء المجتهدین [illegible] دام ظله

[illegible] العصر [illegible] الدهر [illegible] لا زال [illegible]

که ان شاء الله [illegible] جناب [illegible] اهل البیت [illegible]

تمام الایام [illegible] محفوظ خواهید [illegible] عرض [illegible]

[illegible] حالات [illegible] الا [illegible] اکبر [illegible]

[illegible] جناب [illegible] و جناب [illegible]

[illegible] خواهید [illegible]

ان شاء الله [illegible] ان شاء الله [illegible]

[illegible] خواهید [illegible]

از [illegible] از [illegible]

[illegible] خواهید [illegible] عرض [illegible]

[illegible] جناب [illegible]

اهل البیت [illegible]

[illegible]

ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند

برشعثا نسخهٔ شیخ ابو علی سینا از کام و نزله [illegible] نافع بود و وجع

ساکن گرداند و دفع خون برفتن کند صفت آن فلفل سفید بزر البنج

از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل

الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته

با سه چندان عسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

بنادق البزور حرقة البول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع باشد

صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم کدو

پنج درم بذر البنج تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کثیرا نشاسته

رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بکوبند

و بنادق سازند شربتی سه درم بشراب بنفشه یا شراب خشخاش بخورند

بنادق کندری ذرب و اسهال معدی را نافع باشد صفت آن مازوی سبز

یک درم کندر کزمازج از هر یک پنج درم افیون چهار درم حب الآس

ده درم کوفته و بیخته بنادق سازند بنادق دیگر وجع قولنج را زود

تسکین دهد صفت آن جند بیدستر شونیز نانخواه کمون افیون مساوی

کوفته و بیخته بنادق سازند هر یکی دو دانگ بنادق دیگر مغص و وجع
قولنج مرا بر بشکند صفت آن تخم کاهو تخم خرفه افیون مساوی
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بنادق سازند هر یکی
دو دانگ برز پشین از تراکیب حکماء هند است و جهة جذام
عظیم النفع است صفت آن هلیله سیاه شیطرج هندی از هر یک ده درم
دار فلفل پنج درم پش سعید دو درم و نیم کوفته و بیخته بروغن گاو
چرب کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال برز جیلی این ترکیب نیز
از هندیانست و همان خاصیت دارد صفت آن هلیله بلیله آمله شیطرج
از هر یک چهار ده درم جوز بوا خیربوا قسوز کندر هوحو قلفل
دار فلفل با مشک کندش عصاره اسقیل سادج از هر یک
هشت مثقال بش چهار مثقال کوفته و بیخته بخایند معجون سازند
شربتی یکمثقال برود جهرم جرب و بیاض و دمعه و سلاق و سبل
و ظفره را نافع باشد صفت آن توتیای کرمانی مغسول ده درم
پوست هلیله زرد و بخیل زرد چوبه از هر یک پنج درم دار فلفل مامیران
چینی از هر یک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته و بیخته روز

باز گون

٣

به آب غوره بپرورند و در سایه خشک کنند و دیگرباره کوفته
و بیخته استعمال نمایند برود بنفشه جرب را نافعست صفت آن
بنفشه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی کتیرا از هر یک یکدرم
نشاسته سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت در سرکه بپرورند و
خشک کنند و دیگرباره بسایند بحریر بیخته استعمال نمایند
برود دردی قرحه و موسرج را نافع باشد صفت آن اسفیداج ارزیز
پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی هشت درم و نیم نشاسته
شادنج مغسول روی سوخته افیون از هر یک دو درم صلایه کرده
استعمال نمایند برود معد استخوان بلیله کابلی سوخته سه درم
نمک اندرونی و مازو از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بحریر بیخته
استعمال نمایند برود یاری قوت باصره بیفزاید و محافظت
چشم کند صفت آن توتیا مارقشیشا اقلیمیا نقره از هر یک پنج درم
سنبل سادج زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم
کافور دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
برود احمر چشم را خشک گرداند و سوزش باز دارد صفت آن

شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنج درم مروارید ناسفته
یک مثقال و دو دانگ نبات یک درم صلایه کرده استعمال
نمایند برود اسود دمعه را باز دارد و بیاض را ببرد صفت آن
سرمه و توتیا مغسول از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته
دو درم سادج هندی یک درم زعفران نیم درم مرقشیشا
هشت درم مشک و کافور دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
باسلیقون دیگر تاریکی چشم و ابتدای آب و دمعه و جرب و سبل
و ظفره و شرناق را نافع باشد صفت آن کف دریا اقلیمیا نقره
از هر کدام ده درم نمک اندرانی سادج هندی سعداب
ارزیز فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک
دو درم نمک هندی قرنفل واله جندبیدستر از هر یک درم
صبر سقوطری عصاره مامیثا مس سوخته از هر یک پنج درم
مامیران مر نوشادر زرد چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله زرد
چهار درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند باسلیقون صغیر
منافع آن قریب منافع کبیر است صفت آن اقلیمیا نقره پنج درم

روی سوخته دو درم و نیم سعداب ارزیز نمک اندرانی و
نوشادر جعده فلفل دار فلفل از هر یک پنج درم کوفته و بحریر بیخته
استعمال نمایند بنفشج تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را
نافع باشد صفت آن شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی
روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک پنج درم سادج
هندی دو دانگ قاقله و مسک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ
کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند بخوری که زکام و نزله را
باز دارد صفت آن کندر میعه یابسه مر قسط سندروس مساوی
کوفته و بیخته گلولها سازند و بر آتش نهند و سر آن بخار دارند
بخوری که نزله و زکام حار را نافع باشد صفت آن سپوس گندم
آرد جو آرد باقلا صندل سرخ بنفشه گل گز از هر یک نیم درم
کافور دانگی کوفته در سرکه خیسانند و خشک کنند و دیگر باره
کوفته و بیخته بگلاب سرشته حب سازند و در وقت حاجت
بر آتش نهند و سر بخار آن بدارند بخوری که مقوی دهن و دماغ است
و خفقان و غشی و ضعف حواس را نافع است صفت آن عود هندی

قسط شیرین صندل سفید از هر یک یکدرم مشک کافور از هر یک
نیم درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و گلولها سازند و بخور کنند
بخوری که بر آبستنی معین باشد صفت آن میعه سایله بارزد حب الغار
مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از طهر سه روز متوالی
هر روز یکدرم از آن بخور کنند و بعد از آن مباشرت نمایند
بخوری دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن سذاب خشک کوفته با
موم گداخته و پشم خرگوش بسرشند و بخور کنند بخوری که مشیمه و بچه
مرده را بیرون آورد صفت آن مر بارزد جاوشیر گوگرد مساوی
کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و گلولها سازند و در زیر طغار
سوراخ کرده دود کنند و فرج را بر آن سوراخ نهند بخور خوش
برودت معده و جگر و وجع ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان
و وجع کلیه را نافع بود و لون را صافی گرداند و بوی دهن خوش
کند و معده و باه را قوت دهد و حفظ زیاده کند و بول براند
و بادها بشکند صفت آن آب انگور رسیده صد من گوشت فربه پنج من
عود خام ده درم جوزبوا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک پنج درم

سلیخه یکدرم خیربوا کبابه زرنباد قرنفل سعد سنبل از
هر یک سه درم زنجبیل دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا از
هر یک یکدرم عسل ده رطل گوشت در آب انگور بجوشانند
تا مهرا شود و ادویه نیم کوفته در کیسه کنند و سر کیسه را محکم ببندند
و در آن اندازند هر لحظه بدست بمالند و یک رطل گلاب اضافه
نمایند و صاف کنند و در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال
کنند و اگر خواهند که مرغ و کبوتر بچه و کبک و امثال اینها
اضافه نمایند و از گوشت گوسفند چیزی کم کنند والله اعلم
باب الثانی تریاق فاروق و از تریاق کبیر نیز گویند منفعت
گزیدن افعی و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا و همه جانوران
زهردار را نافع کند و دافع همه زهرهای کشنده است
و جذام و فالج و سکته و صرع و لقوه و رعشه و مالیخولیا و
ضیق النفس و خناق سوداوی و بلغمی و استسقا و یرقان
سدی و صداع و دوار و قولنج بلغمی و درد گرده و مثانه را
سود دارد و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز را

بگشاید و حیض براند و بواسیر و بادهای غلیظ که در احشا بود
دفع کند و ورم صلب جگر و سپرز را تحلیل دهد و هیضه را
باز دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت کلبی و بعض
و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را
نافع باشد و حرارت غریزی بیفزاید و روح را قوت دهد
و باه را برانگیزد اما مقدار شربت تریاق کبیر در هر مرضی
آنست که در سرفه کهنه و درد سینه و پهلو که بسبب آن باد غلیظ
یا بلغم باشد مقدار یک ترمس با ماء العسل دهند و از جهت گزندگان
مار و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا یکمثقال در شراب دهند
و زنبور گزیده را در سرکه دهند و در سرکه حل کرده در
موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه سمیه مثل افیون
و شوکران و فرفیون و ذراریح و امثال اینها در شراب دهند
و در یرقان سدی یک ترمس در طبیخ اسارون دهند و در
استسقا یک فندق بسرکه ممزوج دهند و از جهت فالج و لقوه و
رعشه در ماء الاصول دهند و از جهت جذام در ماء الجبن دهند

و خداوند حب القرع را در طبیخ قیصوم دهند و در بعض
و حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس با آب نیمگرم یا آب شبت
دهند و در قولنج و نفخ معده و مغص ریحی و سقوط شهوت
و ربو و انقطاع صوت و برص یک ترمس با ماء العسل یا آب شبت
دهند و ضیق النفس را با سکنجبین عنصلی و در صرع و صداع
و شقیقه یک ترمس در آب گرم دهند و خداوند هیضه را
دو دانگ بشراب سیب دهند و از جهت احتباس طمث
و اخراج جنین میت در طبیخ ابهل با شکطرامشع با آب
دهند و در جمیع امراض اندک آن بطبیخ و بسیار آن
یکمثقال باشد **صفت آن** اقراص عنصل چهل و هشت مثقال
اقراص افعی و اقراص اندروخون و فلفل سیاه و افیون و
دارچینی از هر یک بیست و چهار مثقال ورق گل سرخ تخم
شلغم بری ثوم بری ایرسا غاریقون رب السوس زر و عن
بلسان از هر یک دوازده مثقال مرمکی زعفران سنبل رود
چینی قطافلون فودنج فراسیون فطراسالیون قسط

فلفل سفید اسطوخودوس دارفلفل سکنطرایشع کندر ماح
اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جعده از هر یک شش مثقال
تخم کرفس سیسالیوس حرف کمادریوس کمافیطوس باخواه
عصارهٔ لحیة التیس ناردین سافج موقو جنطیانا رازیانه
گل مختوم زاج محرق حماما وج حب بلسان هوفاریقون
صمغ عربی قردمانا امینون اقاقیا از هر یک چهار مثقال
جند بیدستر دوقو فته مقل الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق
زراوند مدحرج سکبینج از هر یک دو مثقال عسل که
دو رطل شراب ریحانی هشت رطل بوزن بغدادی که
هر رطل از آن نود مثقال باشد صمغها و عصارها و اقراص را
در شراب خیسانند تا حل شود و عسل بر سر آن کنند و حشیشها را
بگذارند و بعد از آن ادویه را کوفته و بیخته بروغن بلسان
چرب نمایند و در یکدیگر سرشند و بعد از چهار ماه بلکه
شش ماه استعمال نمایند و بعضی گفته اند که پیش از پنج سال
استعمال نباید کرد و بعضی گفته اند که بعد از دوازده سال استعمال

باید کرد و آن زمان در غایت قوت و خوبی باشد تا سی سال
و چون از سی سال گذشت تا شصت سال قوت آن باقیست
و بعد از شصت سال حکم آن حکم معاجین کبار باشد جمیع
امراض مذکوره را نافع است الا دفع سموم و گزیدن جانوران را
تریاق گل مختوم کسی را که زهر داده باشند این تریاق را
بدهند قی آورد تا بدن او از زهر پاک شود و بدین توان
دانست که زهر داده اند یا نه که اگر زهر داده اند قی آورد و
اگر نه **صفت آن** گل مختوم حب الغار ایرسا مساوی کوفته
و بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند شربتی مثقال
تریاک اربعه دفع مضرت زهر گزیدن جانوران زهرناک
کند و بادها بشکند و قولنج بگشاید و اخراج جنین میت و
تسهیل ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد
صفتش جنطیانا حب الغار زراوند طویل مرمکی مساوی
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال در آب گرم
تریاک ثمانیه بعد از تریاق اربعه ساخته اند و منافع

پیشتر از منافع اوست صفت آن زراوند طویل یوند چینی پوست
بیخ کبر حب الغار مر صاف قسط تلخ جنطیانا زرده جوبه
مساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی معجون سازند شربتی یکمثقال
تریاق عشره جنطیانا فلفل سفید دارچینی زنجبیل مر صاف
اشقیل مشوی زعفران سنبل الطیب حب کرسنه قسط تلخ جنطیانا
عسل سه وزن اجزا شربتی دو مثقال تریاق سرطان گزیدن کلب را
نافع باشد صفت آن سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا
از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال
تریاق عسکری جهة گزیدن عقرب نظیر ندارد صفت آن پوست
بیخ کبر جنطیانا زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی
کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف سازند تریاق دیگر
همین منفعت دارد صفت آن تخم سذاب زراوند طویل حب الغار
جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرده چوبه بیخ حنظل با شراب
فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند تریاق دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن مغز گردکان و سیر از هر یک

دو درم سداب حلتیت مر از هر یک یکدرم کوفته با انجیر
معجون سازند شربتی سه درم بشراب تریاق دیگر که در گزیدن
عقرب نفع تمام دارد صفت آن جنطیانا زراوند حب الغار
مر مکی قسط فوتنج جند بیدستر عاقرقرحا شونیز سذاب زنجبیل
فلفل حلتیت مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
مقابل یکجوز بشراب تریاق دیگر که همین فایده دهد صفت آن زراوند مدحرج
پوست بیخ کبر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با شراب بیامیزند
و بنوشند تریاق دیگر که از جهة گزیدن رتیلا نافع باشد
صفت آن شونیز دو درم دوقو زیره کرمانی از هر یک
پنج درم ابهل و جوز السرو از هر یک سه درم سنبل الطیب
حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا
تخم حندقوقی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی مقدار یکجوز بشراب کهنه تریاق دیگر
که در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است صفت آن
افیون ده درم فلفل سه درم زراوند مدحرج و جند بیدستر

از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند
شربتی معادل یکجوز تریاق دیگر گزیدن عقرب را نافع باشد
صفت آن ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا
مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف سازند تریاق دیگر
که دافع مضرت افیون بکشد صفت آن حلتیت جندبیدستر
ابهل فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
معادل بکفندق از شراب کهنه نافع باشد تریاق دیگر
مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق یشب عاج طباشیر
طراثیث کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید بهمن سرخ
و سفید فوفل سعد زیره کرمانی مدبر مصطکی گرو بامازوی
بسد گل ارمنی شاذنج عدسی صمغ عربی آرد کنار آرد سنجد
حب الآس عذبه دانه عناب بریان کرده خشخاش سفید
پوست بیرون پسته عجم زبیب از هر یک سه درم ورق نقره
یکدرم تخم خرفه بریان کرده خشخاش سفید دانه انگور از هر یک
از هر یک پنجدرم عود خام بزر البنج از هر یک دو درم

ربّ

9

ربّ به شیرین ربّ سیب ربّ مورد مساوی معجون سازند
باب اثاناسیا دریوس اوجاع معده و کبد و طحال و
کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام
و صرع و برص و لقوه و رعشه و فالج و جمیع امراض عفنه
مزمنه و انواع سوء المزاج بارد و رطب را نافع است و قولنج
بگشاید و استسقا که از سردی و ضعف جگر باشد زایل کند
و اسهال آن بی مشقت باشد و ادرار بول و حیض کند
و سنگ گرده و مثانه بریزاند و حرارت غریزی را تقویت
دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک گرداند و بادها را
دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ نیکو سازد
صفت آن صبر سقوطری پانزده درم غاریقون پنج درم
زعفران دارچینی وج مصطکی روغن بلسان از هر یک سه درم
ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید و
سیاه دارفلفل مر حطیا حب بلسان فقاح اذخر و
حماما از هر یک دو درم کمادریوس قسط افتیمون از هر یک

چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش درم سنبل سه درم
و نیم ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کنند و با سه چندان
عسل بسرشند شربتی چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار سال
باقی باشد **یثا دریوس دیگر** منفعت این قریب بمنفعت اول است
صفت آن صبر سقوطری سی درم غاریقون بیست و دو درم
زعفران وج دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم
کما دریوس فلفل ابیض اسارون عود بلسان از هر یک
دو درم فلفل سیاه جند بیدستر از هر یک چهار درم ریوند
چینی و سنبل از هر یک یکدرم عسل سه وزن ادویه شربتی چهار
درم با آب گرم **باب الجیم جوارش شهریاران** سردی جگر و معده
و عسر البول و قولنج را نافع باشد **صفت آن** خرفه قرنفل دار فلفل
سلیخه سنبل الطیب جوز بوا هیل مصطکی قاقله حب بلسان
زعفران از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا سه درم تربد سفید
حب النیل از هر یک هشت درم قند سفید بوزن ادویه کوفته
و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال با هفت مثقال آب

گرم دهنده **جوارش اترج** معده را قوت دهد و اشتهای طعام
آورد و بوی دهن خوش کند **صفت آن** پوست ترنج خشک کرده
سی درم قرنفل جوز بوا دار فلفل خرفه قاقله خولنجان زنجبیل از
هر یک یکدرم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش عود بادها بشکند و خفقان و دلتنگی زایل کند **صفت آن**
عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم
بسباسه نامشک سعد فرنجمشک زرنب زرنباد از هر یک
یکمثقال دارچینی زنجبیل فلفل قرنفل مصطکی از هر یک دو درم
گاوزبان پنجدرم کافور دانگی و نیم مشک دو دانگ کوفته
بعسل بسرشند **جوارش عود دیگر** معده و دل قوت دهد و پیر را
موافق باشد **صفت آن** عود خام قرنفل ساذج زنجبیل قاقله
فونج خشک دارفلفل از هر یک دو مثقال زعفران یکمثقال
کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش عود نسخه دیگر** هاضمه را قوت دهد
و اشتها آورد و بلغم و رطوبات را دفع کند **صفت آن**
قرنفل سه درم قاقله کبار سنبل از هر یک دو درم عود پانزده درم

زعفران یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند ایضا نوع دیگر معده را
گرم کند و اشتها آورد و هاضمه را قوت دهد صفت آن
قرنفل دو درم سنبل یکدرم عود پنجدرم نبات یکمن نبات را
در گلاب بگدازند و بقوام آورند و فرو گیرند و نیز برند
و داروها کوفته و بیخته بر آن پاشند و بر روی سنگ ریزند
جوارش عود نوع دیگر معده را باصلاح آورد و اشتها پیدا کند
صفت آن عود خام پنجدرم پوست ترنج ده درم مصطکی یکمثقال
نبات یکمن و نیم هم بآن دستور بریزند جوارش عنبر عنبر یکمثقال
قند سفید یکمن قند را بقوام آورند و فرو گیرند و عنبر را در آن
حل کنند و نیز برند و بر روی سنگ ریزند جوارش تمری قولنج
و عسر بول بگشاید صفت آن زیره کرمانی بوره ارمنی فطراسالیون
زنجبیل فلفل سفید از هریک دو درم و نیم سقمونیای مشوی
پنجدرم خرمای دانه بیرون کرده مغز بادام مقشر بریان کرده
از هریک ده مثقال ورق سذاب ده درم خرما را در سرکه
جنبانند بگشایند و بکوبند و از غربال بیرون کنند و بجوشانند

تا بقوام آید

۱۱

تا بقوام آید و داروها را کوفته با آن بسرشند شربتی پنجمثقال
تا هفت مثقال با آب گرم جوارش مسک خفقان و باد بواسیر را
نافع باشد و بادهای معده را دفع کند صفت آن خیربوا قاقله
زنجبیل دارفلفل فلفل از هریک ده درم مشک خالص نیم مثقال
قند شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش کافوری
اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی و حرارت بنشاند صفت آن
زرشک ده درم گل سرخ هشت درم طباشیر سفید کهربا
فوفل از هریک چهار درم تخم حماض بریان کرده صمغ درم حب
الآس شش درم سیب ده درم پست عنبرا ده درم دانه انار
بریان کرده هشت درم کافور سه درم زعفران نشاسته بلوط
از هریک پنجدرم بشراب حماض بسرشند شربتی دو درم
جوارش کمونی اسهال بلغمی باز دارد و معده را گرم کند
صفت آن کمون شصت درم فلفل دارفلفل از هریک دو درم
زنجبیل خولنجان از هریک ده درم قرنفل جوزبوا خیربوا
از هریک پنجدرم مشک پنجدرم قند سفید شصت درم کوفته

وبیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم جوارشن [illegible] دانه مویز
صلایه کرده بطریق غبار نود مثقال تخم مورد صلایه کرده
چهل و پنج مثقال خرنوب نبطی جلنار کندر کزمازج نانخواه از
هریک هفت مثقال با قند و عسل سه وزن ترکیب کنند
جوارشن [illegible] طعام را هضم کند و اسهال باز دارد
و سپرز را بگدازد و کسی را که بیم استسقا بود نافع بود و
ادرار بول کند صفت آن قسط خرفه سنبل حب بلسان
سلیخه از هریک دو درم جوز بوا جعد قاقله کبار قرنفل
انیسون اکلیل الملک شیطرج نارمشک از هریک چهار درم
بسباسه درونج عقربی از هریک سه درم ریوند چینی زراوند
مدحرج اشنه از هریک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله
کابلی بروغن زیت بریان کرده از هریک بیست درم بلیله
ده عدد حب الآس بوزن همه ادویه نبات دو وزن
ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورند و داروها را کوفته
وبیخته با آن بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارشن طبا[شیر]

برد

12

تب و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت آن طباشیر سفید
حب الآس گل سرخ از هریک ده درم تخم حماض و صمغ عربی
از هریک هشت درم گلنار سماق عصارة لحیة التیس از هریک
شش درم زعفران و افیون از هریک دو درم کوفته و بیخته
بشراب سیب بسرشند شربتی سه درم جوارشن تفاحی
آب سیب گلاب عسل قند قند را در گلاب و آب سیب حل کنند
و عسل را بر آن بریزند و بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن
ادویه را صلایه کرده بریزند سنبل دارچینی قرنفل مصطکی
گاوزبان عود هندی تخم بادرنجبویه معجون سازند و [illegible]
جوارشن سماق اسهال صفراوی را باز دارد صفت آن
سماق بیست درم حب الآس ده درم خرنوب سی درم صمغ
عربی گلنار انار دانه از هریک پنج درم کوفته و بیخته با مویز
منقی دو بار باره بکوبند شربتی سه درم جوارشن انجدان قولنج بگشاید
و بادها دفع کند و جشاء حامض را نافع باشد صفت آن
فلفل دارفلفل از هریک پنج درم انیسون و زنجبیل از هریک

شش درم اینسون مصطکی رازیانه نانخواه تخم کرفس از هر یک
دو درم انجدان پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی دو درم جوارش دیگر طبع را نرم سازد و قولنج
بگشاید صفت آن جوزبوا یکدرم قاقله دارچینی از هر یک
دو درم نارمشک قرنفل از هر یک سه درم دار فلفل
پنجدرم زنجبیل شش درم سقمونیا بیست درم نبات
سی درم کوفته و بیخته بعسل معجون بسازند شربتی از یکدرم تا
سه درم جوارش دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت آن
عود خام مصطکی از هر یک یکدرم تربد سفید چهار درم
سقمونیا پنجدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنجدرم
با آب گرم جوارش بسباسه بواسیر و سردی معده و بدی هضم را
نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن بسباسه
قرفه قاقله کبار پنجدرم فلفل دو درم قرنفل یکدرم و نیم
قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمثقال جوارش مقلیاثا زحیر و مغص و بواسیر را نافع بود

سعدان کم

۱۳ صفت آن تخم تره تیزک بریان کرده زیره کرمانی مدبر از
هر یک یکدرم مصطکی شش درم هلیله کابلی بریان کرده
بروغن گاو ملتوت کرده یکدرم کوفته و بیخته با گلاب
بسرشند جوارش قیصر قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط
غلیظه لزجه را دفع کند صفت آن دار فلفل زنجبیل هلیله زرد
سقمونیا تربد سفید از هر یک دوازده درم تخم کرفس
نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد از هر یک شش درم
قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش [illegible] خفقان و سردی معده و بدی هضم و
اوجاع [illegible] را نافع بود و از برای پیران بغایت خوب
صفت آن قاقله صغار و کبار بسباسه دارچینی از هر یک
چهار درم زنجبیل دار فلفل از هر یک ده درم دواله
مصطکی عنبر قرفه قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوزبوا
پنجدرم خسک یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمثقال جوارش [illegible] قولنج و لقوه و بواسیر و بادها را

که در معده بود سودا دارد صفت آن سقمونیا تربد سفید از هر یک
پنج درم فلفل قاقله از هر یک سه درم زرنجبیل دارچینی آمله
قرنفل سعاج جوزبوا از هر یک دو درم و نیم قند سفید
نود درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال
جوارش [illegible] اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را
نافع باشد صفت آن سقمونیا ده درم جوزبوا قاقله دارچینی
زرنجبیل قرفه نارمشک قرنفل فلفل از هر یک پنج درم تربد
سفید صد درم قند سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش مصطکی سردی معده و جگر را نافع بود و بلغم را دفع
کند و آب رفتن از دهان باز دارد صفت آن مصطکی
سه مثقال کوفته و بیخته با یکمن قند سی درم گلاب بر روی
سنگ بریزند جوارش جالینوس این جوارش را خاصیت بسیارست
همه اعضا را قوت دهد و بوی دهان خوش کند و بادها
بشکند و بسیاری بول که از سردی بود باز دارد و باه را
قوت دهد و دیوانگی ببرد و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و

نقرس و قوبا و بهق و حصات کلیه و مثانه را نافع باشد
و سیاهی موی را محافظت کند و گفته اند هر کس پنج روز
بر این جوارش مداومت کند از جمیع امراض مذکوره ایمن
باشد صفت آن سنبل قاقله سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد
زرنجبیل فلفل سیاه دار فلفل قسط بحری عود بلسان
اسارون تخم مورد قصب الذریره زعفران از هر یک
دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه
کوفته و بیخته با دو چندان عسل بسرشند شربتی دو مثقال تا
سه مثقال پیش از طعام و پس از طعام توان خورد
جوارش سمسم معده را قوت دهد و شهوت آرد و زنان
حامله را نافع باشد و رنگ را نیکو گرداند و اشتها
طعام آورد صفت آن زرنباد تخم کرفس زیره کرمانی
نانخواه از هر یک دو درم کنجد مقشر ده درم کندر زرنجبیل
فلفل دار فلفل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد
نود مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارش دابرز

ضعف معده و گرده و مثانه را نافع باشد و بادهای
غلیظ را بشکند و اخلاط غلیظه را دفع کند صفت آن دارچینی
عود هندی اسارون از هر یک شش درم قرنفل فلفل سیاه
دار فلفل سنبل اسارون از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم
نعناع هشت درم خیربوا دخرفه از هر یک دو درم مصطکی
افیمون رازیانه بلیله از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شود
جوارشش حب الآس هیضه و اسهال معدی را نافع باشد و قی
که از بلغم باشد و رطوبت باز دارد صفت آن حب الآس نود
مثقال هلیله سیاه بلیله طالیسفر از هر یک بیست درم فلفل
سیاه دار فلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی قردمانا
کرویا افیمون زیره کرمانی سنبل سلیخه قاقله قسط از هر یک
شش درم جوز بوا تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم ساذج
هندی حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
شربتی یک درم جوارشی که غذا زیاده کند زنجبیل نانخواه از هر یک ده
درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل سرشته

بجوزند صفت آن غاریقون ده درم عصاره غافث ریوند
از هر یک دو درم قند سعید پانزده درم کوفته و بیخته
حب سازند حب [illegible] صداع و درد چشم را نافع بود
صفتش صبر بیست درم هلیله زرد ده درم کثیرا مصطکی
سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج درم
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم حب [illegible]
از جهت صداع حار و رمد چشم نافع است صفت آن قنطوریون
۲ لـ
تربد سعید بسفایج فستقی مویز دانه بیرون کرده بنفسج ریوند
۲ لـ ۵ لـ ۵ لـ ۲۲
یکدرهم رب السوس نصف درهم محموده ربع درهم الکثیرا
دانق در سه پیاله آب کرده بجوشانند تا یک پیاله آید
چون برابر حب الذهب بجوزند نافع آید حب دیگر که داء الثعلب را
نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم دفع کند صفت آن افتیمون
چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک
دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال انزروت و بسفایج فستقی
از هر یک سه مثقال تربد سعید دوازده مثقال کوفته و بیخته

باب خالص حب سازند شربتی سه درم حب بنفشه امراض
چشم و سینه را نافع باشد و صفرا دفع کند صفت آن بنفشه دو درم
تربد یکمثقال محموده دانگی و نیم رب السوس یکدرم بآب
حب سازند حب بنفشه که همه محل میتوان داد منقول از شیخ ابو علی سینا
بنفشه سه مثقال پوست هلیله زرد یکمثقال رب السوس دو دانگ و نیم
مغز تخم کدوی شیرین قند محموده مشوی نیم دانگ حب بنفشه الی
بنفشه خشک گل سرخ دانگ سقمونیا دانگی نرم سایند
بلعاب بزرقطونا بسرشند حب منتن فالج و لقوه و مفاصل و نقرس را
که از سردی بود و وجع ظهر را نافع بود صفت آن سکبینج اشق
جاوشیر مقل حرمل تخم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله
زرد انزروت را در آب حل کنند و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند
و حب سازند شربتی دو درم حب اسطمیخون بدن را از سودا و بلغم
و اخلاط غلیظه پاک کند صفتش پوست هلیله کابلی شش درم
آمله افسنتین غاریقون از هر یک سه درم اسارون انیسون
تخم کرفس از هر یک دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم

ایاره

17

ایارهٔ فیقرا نه درم قرنفل یکدرم فانیذ چهار درم فانیذ را
در آب یکدانه زنند و دو درم سقمونیا در آن حل کنند و داروها را
کوفته و بیخته با آن بسرشند و حب سازند حب سکبینج
قولنج بگشاید و بادهای غلیظه را دفع کند صفت آن سکبینج و تخم
حنظل هر یک ده درم سقمونیا سه درم بآب بسرشند و حب سازند
حب دیگر که بادها بشکند و فتق و اورام خصیه را نافع باشد
صفت آن تخم کرفس مرزاغند مصطکی انیسون زعفران
از هر یک یکدرم پوست هلیله کابلی آمله سکبینج مقل از
هر یک دو درم فطراسالیون و مو و اذخر و قسط و زرنباد
و درونج و اسارون از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب
سذاب حب سازند و هر روز یکدرم تناول نمایند
حب مازریون استسقاء زقی را نافع باشد صفت آن ریوند چینی
عصارهٔ غافث تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون
پنج درم مازریون مدبر ده درم کوفته و بیخته حب سازند
شربتی دو درم حب دیگر که همین نفع دارد صفت آن تخم مازریون

مغز بادام از هر یک پنج درم شکر یکدرم ونیم کوفته و بیخته
حب سازند حب برایا اوجاع مفاصل ونقرس بلغمی و صفراوی را
نافع باشد صفت آن صبر زرد هشت درم هلیله اصفر بوزیدان
سورنجان از هر یک دو درم افتیمون یکدرم سقمونیا
یکدرم ونیم باب کراث حب سازند شربتی دو درم تا سه درم
باب گرم حب جیزران خنازیر و مقعد و سلعه را نافع باشد
صفت آن ایارج فیقرا سه درم غاریقون دو درم ونیم شحم حنظل
یکدرم ونیم انزروت چهار درم تربد هشت درم جاوشیر
یک مثقال نوشادر دو درم سقمونیا یک مثقال کوفته و بیخته با کرفس یا
حب سازند شربتی یکدرم هر روز حب واصلی که همین خاصیت دارد
صفتش سنبل سلیخه حب بلسان اسارون عود بلسان
مصطکی دارچینی زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری
شانزده درم اسطوخودوس شحم حنظل از هر یک پنج درم تربد
سفید هفت درم نمک هندی دو درم سقمونیا چهار درم شربتی
چهار درم حب شیطرج عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را

نافع بود

17

پوست هلیله زرد صبر سقوطری از هر یک یکدرم سقمونیا دو دانق
گل سرخ از هر یک دو دانگی کوفته و بیخته باب حب سازند
حب غافث ایارج فیقرا تربد غاریقون از هر یک یکدرم
شحم حنظل حب النیل سکبینج از هر یک دو دانگی کوفته و بیخته
باب خالص حب سازند حب ایارج صبر ایارج فیقرا تربد سفید
غاریقون از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان
عود صلیب از هر یک پنج درم شحم حنظل مصطکی از هر یک
دانگی مجموع ده پنج دانگ باب رازیانه حب سازند حب استسقا
تربد سفید یکدرم ریوند چینی پنج درم غاریقون زراوند
مدحرج زراوند طویل از هر یک دو دانگی ونیم مقل الیهود تخم الجزره
از هر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده دانگی
کوفته و بیخته باب حب سازند حب دیگر حب آبستنی ایارج فیقرا
تربد از هر یک یکدرم غاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین
تخم الجزره از هر یک پنج درم نمک هندی دو دانگی مقل دو دانگ
باب رازیانه حب سازند حب سباسهری بنفشه دو درم تو ست

پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک یکدرم نمک هندی
رازیانه تخم کرفس از هر یک نیم درم سقمونیا دانگی و نیم با آب حب سازند
حب صبر ایارهٔ فیقرا تربد سفید صبر سقوطری از هر یک مثقال
حب النیل نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی از هر یک نیم درم
انیسون یکدرم فلفل کشیر مصطکی از هر یک دانگی با آب رازیانه
حب سازند حب نفیق تربد یکدرم و دانگی و نیم غاریقون ایارهٔ
فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شطرج
هندی عصارهٔ افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا نخود
مقل و انیسون از هر یک دانگی با آب حب سازند حب الفند تربد یکدرم
و نیم ایارهٔ فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ سورنجان
نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک دو دانگ سقمونیا مقل از
هر یک دانگی با آب حب سازند حب عشا تربد سفید یکدرم پوست هلیله
کابلی غاریقون از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ گل سرخ
دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ با آب حب سازند
حب رعشه و تشنج سفرجلی مسهل سه درم تربد یکدرم و نیم سورنجان

چهار دانگ بوزیدان ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک
دو دانگ با آب حب سازند حب جهت اسطوانه منیعه بایسه تخم ترب
فرفیون نرم کوفته بعسل سرشته و سه روز بخورند حب درد
نقرس در ساعت مشامد انیسون زیره کرمانی فلفل ابیض دار فلفل مغز
القرطم حب البطم از هر یک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل فرفیون
از هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان سه درم
با آب رازیانه حب سازند شربتی دو درم با آب زیره بخورند
حب رجا تربد یکدرم و نیم غاریقون ایارهٔ فیقرا افتیمون
از هر یک چهار دانگ قنطوریون دقیق ماهی زهره اسارون
افسنتین از هر یک دو دانگ شحم حنظل سقمونیا از هر یک حبه
مقل و انیسون از هر یک دانگی با آب رازیانه حب سازند
حب نسیان تربد یکدرم و چهار دانگ افتیمون نیم درم عصارهٔ
غافث و عصارهٔ افسنتین از هر یک دانگی و نیم شحم حنظل
مقل انیسون مصطکی از هر یک دانگی با آب حب سازند حب مسهل
تربد یک مثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل حب النیل نمک هندی

زنجبیل محموده از هر یک دانگی و نیم ایارهٔ فیقرا یک درم گل سرخ
و افسنتین و مصطکی از هر یک دانگی مقل دو دانگ کتیرا
طسوجی باب خالص حب سازند حب ربو تربد یکدرم ایارسا
نیمدرم ایارهٔ فیقرا و غاریقون از هر یک درم محموده دانگی
مقل دو دانگ بنفشه نیمدرم باب حب سازند حب عشبه
ایارهٔ فیقرا و عاقرقرحا از هر یک پنجدرم چند بید ستر شطرج
هندی بزرالبنج از هر یک سه درم پنج بیخ و تخم حنظل از
هر یک چهار درم کوفته و بیخته باب کاسنی حب سازند
شربتی دو درم و نیم حب برقان صبر یکدرم محموده دانگی و نیم
غاریقون چهار دانگ عصارهٔ غافت دو دانگ باب
کاسنی حب سازند حب که نافع است جهة نقرس صفت آن
سورنجان یکدرم محموده دانگی و نیم تخم کرفس دانگی صبر یکدرم
باب خالص حب سازند حب که بلغم را از مفاصل و سر تن
جذب کند صفت آن سعد سورنجان بوزیدان از هر یک نیمدرم
ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ تخم حنظل دانگی و نیم

ادرنی

پوست ترنج مرحمک هیل بحنبل کبابه بسباسه سعد زرنباد
از هر یک پنجدرم مشک طباشیر از هر یک نیمدرم عنبر
نیم مثقال صندل سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی
بگلاب حب سازند حب دیگر که همین عمل کند صفه آن کبابه
قرنفل حرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر
نیمدرم عود یکدرم کوفته و بیخته بگلابی که دران صمغ عربی
منقوع باشد سرشته حب سازند حب مقل و اقلیمیا خون رفتن از
بواسیر باز دارد صفت آن بلیله سیاه پوست بلیله کابلی
پوست بلیله آمله مقشر مقل از هر یک دو درم مرجان کهربا
ودع سوخته از هر یک یکدرم مقل را در آب آهنگران حل کنند
و داروها را صلایه کرده بآن بسرشند و حب سازند شربتی
ده درم حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن بلیله کابلی
بریان کرده بروغن گاو سی درم کهربا ده مثقال مقل را بر ابر
مجموع در آب گشنیز تا حل شود و ادویه دیگر را کوفته و بیخته
دران بسرشند و حب سازند شربتی ده درم حب لولو

جند بیدستر افیون میعه سایله بزرالبنج مر اسارون زعفران
کندر نانخواه همه برابر با عسل صاف حب سازند **حب**
جدوار یکمثقال زعفران دو مثقال سنبل یکمثقال فرفیون یکمثقال
فلفل سه مثقال بذرالبنج سه مثقال ریوند دو مثقال تخم کرفس
یکمثقال عود نیم مثقال صمغ عربی دو مثقال دارچینی نیم مثقال
عاقرقرحا یکمثقال قرنفل نیم مثقال اکر نیم یکمثقال انیسون
یکمثقال نانخواه یکمثقال زنجبیل نیم مثقال بسباسه یکمثقال
جوز یکمثقال مروارید نیم مثقال کهربا نیم مثقال مرجان نیم مثقال
یاقوت نیم مثقال مشک نیم مثقال افیون چهار مثقال
ورق نقره ده مثقال مصطکی دو مثقال حب سازند **حب ممسک**
طبیعت به بندد و خون رفتن باز دارد **صفت آن** سماق
دو درم مازو یکدرم پوست انار نیم درم حب الآس ده درم
عجم زبیب سه درم کوفته و بیخته با آب و لعاب صمغ عربی
حب سازند شربتی دو درم با آب مورد بدهند و از عقب
آن قدری آب سرد بیاشامند **حبی** که اسهال خون باز دارد

صفت آن مازو

صفت آن مازو و کزمازج با افیون مساوی با آب حب سازند
شربتی دو دانگ **حبی** که اسهال بلغمی باز دارد **صفت آن**
مر خرفه جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند
هر یک مثقال یک فلفل شربتی سه حب یا پنج حب **حب الزحیر**
اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد کاهی که تب و حرارت
نباشد جند بیدستر اسارون میعه سایله بزرالبنج کندر
مساوی با آب حب سازند شربتی دو درم **حبی که در ساعت شکم بندد**
افیون یکدرم اقاقیا دو درم کل کرسماق حب الآس از
هر یک چهار درم کوفته و بیخته با آبی که در آن صمغ عربی
منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مثقال **حبی** که نعوظ
تمام آورد و در بطو انزال اثر تمام دارد عود خام
خرفه قرنفل کبابه فلفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم
بالنکو دو درم دارفلفل تخم بابونه مروارید ناسفته از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بقوام آورده بسرشند و حب سازند
هر یک مقدار نخودی **حبی که مسکن وجع است** مصطکی حب الغار

کلی زعفران فلفل قرنفل جند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا
از هریک یکمثقال مشک دانکی افیون یکمثقال و نیم بگلاب
حب سازند شربتی یکدرم حقنه لینه حمیات و سرسام و امراض
حاره را نافع است و طبع را نرم کند عناب سپستان
بنفشه شعیر مقشر بهکوفته سبوس گندم خطمی خشک اکلیل الملک
از هریک کفی انجیر پنجعدد در سه رطل آب بجوشانند تا رطلی آید
پس بپالایند و شکر سرخ پنجدرم و روغن بنفشه یا بادام ده درم
روغن کنجد ده درم آبکامه پنجدرم اضافه نماید و نیمگرم
حقنه کند حقنه معتدل حلبه بزرگ انجیر عناب بنفشه سپستان خطمی
بابونه اکلیل الملک خشک شبت سبوس گندم از هریک
کفی بپزند چنانکه زهومت و به پالایند و ده درم فانید
و دو درم بوره ارمنی و یکدرم نمک هندی و پانزده درم
روغن شیرخشت اضافه نموده نیمگرم عمل نمایند حقنه حاره
شحم حنظل افتیمون بسفایج از هریک دو درم فودنج یک کف
بپزند و بپالایند و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن

با بو

بابونه اضافه نموده استعمال نمایند حقنه دیگر قولنج بلغمی بگشاید
و درد پشت و بادهای غلیظه را نافع باشد حلبه بزرگ
قنطوریون بابونه خشک بهکوفته خطمی از هریک کفی انجیر
سی عدد عناب و سپستان از هریک سی دانه سبوس گندم
برگ چغندر برگ کرنب شبت سداب از هریک دسته سکبینج
مقل جاوشیر از هریک سه درم مغز تخم کافیشه بیست درم
بپزند و بپالایند چنانکه زهومت و یکدرم نمک هندی و
دو دانگ بوره ارمنی و هم دانگ جند بیدستر و دو دانگ
شحم حنظل و ده درم آبکامه و بیست درم شکر سرخ اضافه نموده
استعمال نمایند حقنه دیگر بابونه اکلیل الملک سداب [illegible]
زیره کرمانی تخم کرفس نانخواه شبت از هریک کفی سنا مکی
جاوشیر سکبینج اجزا را جوشانیده بوره ارمنی نمک طعام روغن
شیرخشت روغن سداب مغز خیارچنبر در آن حل کرده حقنه کنند
حقنه دیگر که استرخا و فالج و امراض بلغمی را نافع باشد صبر آن
سنا مکی پنجدرم شبت و بابونه و کافیشه بهکوفته و پنج انجیر

نیمکوفته از هر یک کفی پرسیاوشان بادرنجبویه فطوریون دقیق
از هر یک دو درم شکر سرخ پانزده درم آنگاه ده مثقال
آب برگ چغندر روغن زیت از هر یک ده درم نمک و بوره
ارمنی از هر یک نیم درم بطریق معهود عمل نماید حقنهٔ دیگر
که قولنج بگشاید صفت آن سنا مکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت
از هر یک سه درم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو درم
بابونه سوسن گندم گل خطمی از هر یک کفی گل سرخ تازه دو ده از
عدد شکر سرخ روغن زیت روغن گل سرخ آب برگ چغندر
از هر یک ده مثقال آنگاه گلقند آفتابی از هر یک ده درم
بوره ارمنی نیم درم کوفته و بیخته و صاف کرده چنانکه رسمست
عمل نماید حقنه که ریش روده و اسهال صفراوی را نافع آید
صفت آن آب برگ خرفه آب لسان الحمل از هر یک چهل مثقال
تخم مرغ بروغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیم درم دم الاخوین
چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهربا مرجان گل مختوم از
هر یک یک درم با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند حقنه دیگر

که قروح

که قروح امعا و اسهال دموی را نافع باشد صفت آن کشک جو
برنج شسته پخته کرده بزر از هر یک سی مثقال بپزند و بپالایند
و سفیداب و نشاسته و اقاقیا و گلنار از هر یک نیم درم
زعفران شیاف ابیض از هر یک یک درم زرده تخم مرغ
عددی به درم روغن گل حل کنند و بیکدیگر ممزوج سازند
و استعمال نماید باب [الحادی و العشرون] برودت معده
و احشا و جگر را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و از برای
پیران مفید بود صفت آن شراب کهنه دو رطل عسل صاف
سه رطل زنجبیل ده درم قاقله جوزبوا زعفران از هر یک
یک مثقال قرنفل و مشک از هر یک نیم درم دارچینی و فلفل
از هر یک یک درم ادویه را نیمکوفته کنند سوای مشک و زعفران
و در کیسه کنند و سر کیسه را محکم ببندد و شراب و عسل را
بجوشانند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بدست بمالند
تا شراب بقوام آید پس کیسه را بر دارند و مشک و
زعفران را در آن حل کنند و بکار برند خضاب که مو را سیاه کند

صفت آن مازو یک رطل کتیرا روی سوخته شب یمانی از هر یک
پنجدرم نوشادر چهار درم نمک اندرانی دو درم مازو را
در روغن زیت بجوشانند تا آتش شود و با ادویه بکوبند و با آب
گرم بسرشند و بگذارند تا چهار ساعت و بعد از آن سر و ریش را
بشویند و خشک کنند و خضاب را بدان بمالند و بعد از آن
شش ساعت باب گرم بشویند خضاب دیگر جوز السرو در سرکه
جوشانند و بیست درم مازوی سبز در روغن زیت بپزند
تا سوخته شود ششدرم مس سوخته پوست گردکان تر از
هر یک ده درم پرسیاوشان هشت مثقال اقاقیا آمله
از هر یک ششدرم قرنفل ده درم کوفته و بیخته باب گرم بسرشند
و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب دیگر
پوست گردکان سبز شب یمانی نمک اندرانی مازوی بریان
کرده در روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و بیخته
باب گرم بسرشند و استعمال نمایند خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا
پنجدرم کوفته و بیخته بر روغن گل حل کنند و باب گرم بسرشند

دبر

دوای [illegible] طباشیر کهربا گل سرخ کشنیز خشک صندل سفید
از هر یک چهار مثقال مروارید ناسفته ابریشم مقرض
تخم خرفه از هر یک دو مثقال مشک یکدرم کوفته و بیخته
با سه وزن ادویه شراب فواکه ترکیب کنند دواء المسک حلو
ضعف معده و دل و خفقان و صرع و ضیق النفس و فالج
و لقوه و تب ربع و سودا را دفع کند و بادهای زبان آستین را
دفع کند و رنگ را نیکو گرداند مفتح زرنباد درونج از
هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض
از هر یک پنجدرم بهمن سرخ و سفید ساذج هندی
سنبل الطیب قاقله قرنفل جندبیدستر دواله از هر یک چهار دانگ
زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ مشک دانگی و نیم کوفته
و بعسل شهد که آتش ندیده باشد سه وزن آن بسرشند
شربتی استعمال نمایند ررزوت زنگار سقمونیا اقلیمیا
کوفته [illegible] بس مصفی بسرشند و استعمال نمایند ذرور اصفر
نافع است از جهت گمنة المدقه و درد چشم که سبب آن رطوبت
باشد صفت آن انزروت مربی پنجدرم شیاف مامیثا

صندل دار فلفل زنجبیل شکک عسل صد درم دوای لک کبیر
صلابه کبد وطحال و معده و استسقا در برودت معده را
نافع باشد و سده بگشاید و بول براند و سنگ گرده
و مثانه بریزاند و بدن را لاغر کند صفت آن لک مغسول
دو قو تخم کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم
کما فیطوس و فاخشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ
جنطیانا و زراوند مدحرج از هر یک یک درم صبر سقوطری
و سنبل از هر یک دوازده درم فوه پانزده درم حب بلسان
بلیلجه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک
شش درم کندر چهار درم دار فلفل زراوند طویل از هر یک
سه درم و نیم رب السوس بیست و هشت درم ریوند و جعده
و اذخر از هر یک دو درم فقاح قسط از هر یک ده درم
پوست کردکان سبز سبشب یمانی نمک اندرانی هم کوفته و بیخته
کرده در روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته
باب گرم بسرشند و استعمال نمایند خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا
چند درم کوفته و بیخته در روغن گل چرب کنند و باب گرم بسرشند

جرب و سبل و دمعه را نافع بود صفت آن مامیران چینی یک درم
توتیای کرمانی پرورده و شیح سوخته پرورده و توبال
مس مغسول و سرمه اصفهانی پرورده از هر یک ده درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور صفر نوعی دیگر انزروت
مربی ده درم صبر زعفران حضض از هر یک دو درم مرمکی
یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر که قرحه و موی
سرح را نافع باشد صفت آن سرمه اصفهانی سادج هندی
مغسول صلایه کرده ذرور سازند ذرور دیگر قرحه را پاک سازد
صفت آن نشاسته سه درم انزروت مربی و اسفیداج
رصاص از هر یک ده درم کوفته و بیخته ذرور سازند
ذرور عسل بیاض را نافع بود چون در قرنیه بود باشد صفت آن
سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنگار سقمونیا اقلیمیا
کوفته و بیخته بعسل مصفی بسرشند و استعمال نمایند ذرور اصفر
نافع است از جهت کمنه المدقه و درد چشم که بسبب آن رطوبت
باشد صفت آن انزروت مربی چند درم شیاف مامیثا

دو درم صبر زعفران تخم گل از هر یک نیم درم افیون چهار دانگ
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور زرد که ابتدای رمد را نافع
باشد صفت اقلیمیا نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک
دو درم کثیرا بیست درم صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت درم
نشاسته سی درم افیون ده درم کوفته و بیخته بحریر بآب رازیانه
پرورده ذرور سازند ذرور دیگر که دمعه و جرب و ضعف
بصر را نافع و پیراز ... ثق بود صفت آن توتیای مغسول ده درم
پوست هلیله زرد صبر سقوطری دارفلفل زرد چوبه از
هر یک پنج درم فلفل ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذرور احمر که گوشت برویاند و خون رفتن از جراحت باز
دارد و رعاف را نافع است صفت انزروت مربی کندر دو درم
الاخوین مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور که نافع است
از جهت درد چشم کهنه و سرخی و آب رفتن صفت آن توتیای
مغسول نشاسته سفیداب ارزیز مساوی کوفته و بحریر بیخته
ذرور سازند ذرور ظفره شیاف مامیثا سادج هندی

۲۵

حماما از هر یک دانگی و نیم سرمه فلفل زنگار از هر یک یک درم
کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور دیگر که نافع بود از جهت جرب
سبل و ظفره و آنکه چون صفت اقلیمیا صمغ عربی از هر یک سه درم
زعفران فلفل سایه شکرف از هر یک دو درم افیون یک درم
و نیم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کمند دارفلفل دو دانگ
هلیله زرد حضض مرا از هر یک دو درم زبد البحر یک درم مامیران
دو دانگ صبر دانگی و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذرور دیگر که از جهت درد چشم اطفال نافع باشد صفت آن
انزروت مربی چشمک از هر یک ده درم مامیران دو درم
الاخوین از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذرور سبل صفت آن توتیای مغسول ده مثقال مامیران چینی
دو درم زبد البحر حضض مکی صبر سقوطری دارفلفل نبات
هلیله زرد از هر یک یک درم انزروت مربی چهار مثقال
صمغ عربی یک مثقال کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور بیاض
صفت آن سادج هندی شش درم مس سوخته سرمه اصفهانی

توبال مس سوخته از هریک سه درم شادنج عدسی مغسول
مرصاف ازهریک یکدرم صدف سوخته ماميران صینی
ازهریک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کافوری
نافع است ازجهة حرارت چشم و رمد صفت آن صدف سوخته
مروارید ناسفته ازهریک دو درم نشاسته یکدرم کافور
دانکی صلایه کرده ذرور سازند ذرور دیگر که همین خاصیت دارد
انزروت دم الاخوین مرکند زکلنار کل ارمنی ازهریک
نیم درم عدس مقشر یکدرم کوفته و بیخته ذرور سازند
ذروری که گوشت فاسد شده را بخورد و سرجراحت را ببندد
و خشک کند در وقت به شدن و در اول سرجراحت نگذارند
و تری چیند و گوشت برویاند صفت آن انزروت چهار درم
دم الاخوین دو درم کل مختوم مرداسنگ مرکند از
هریک یکدرم و نیم کل ارمنی شیاف مامیثا ازهریک یکدرم
صبر سقوطری زراوند مدحرج ازهریک دو درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذروری که نافع است جهة جشم و جرح مقعد و تورم

ومقعد صفتش سفیداب ارزیز کلنار شب یمانی مازو
مساوی کوفته و بیخته مقعد را بروغن گل چرب کنند
و بر او افشانند ذرور دیگر استرخاء مقعد را نافع بود صفت آن
جفت بلوط کلنار جوز السرو کاغذ سوخته از هریک سه درم
کوفته و بیخته بر مقعد افشانند ذروری که همین خاصیت دارد جفت بلوط
مازو سماق کندر شب سوخته کلنار شاخ گوزن سوخته مرداسنگ
صدف سوخته اقلیمیا مساوی صلایه کرده ذرور سازند
ذروری که سوختگی آتش و روغن گرم و مانند آنرا نافع باشد
صفت آن مرداسنگ آهک حنا از هریک قدری بکوبند
و موضع سوختگی را بروغن گل چرب کنند و این دارو را
بکوبند و بر انجا افشانند در سه روز خشک شود ان شاء الله والله اعلم
باب الرابع روغن قسط فالج ولقوه و معده و جگر را
نافع باشد و سیاهی موی را نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد
صفت آن قسط ده درم فلفل فرفیون از هریک سه درم
عاقرقرحا چهار درم جندبیدستر دو درم و نیم سراب کهنه

صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط و فلفل و عاقرقرحا
نیمکوفته در شراب حینانند یکشب و صباح شراب را
بجوشانند تا شراب برود و روغن بماند بعد از آن جندبیدستر
و فرفیون را کوفته و بیخته در انجا بریزند در زمانی که از آتش
فرود گرفته باشند روغن قسط بنسخهٔ دیگر درد جگر و معدهٔ سرد و [illegible]
مفاصل را نافع است صفت آن قصب الذریره سنبل ساذج
هندی میعه سایله بیخ سوسن خرفه اشنه قسط از هر یک
بیست درم راسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم
مرصافی قرنفل از هر یک پنج درم و نیم کوفته در سه من آب
بپزند تا یک من آید و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن قسط بطریق دیگر صفت آن قسط فلفل عاقرقرحا
فرفیون جندبیدستر بسیار نرم صلایه کرده در چهار صد و
پنجاه مثقال روغن نرگس یا روغن خیری ترتیب دهند روغن قسط
نوع دیگر که سردی جگر و معده را نافع بود چون بیاشامند و
اگر موضعی که موی رفته باشد بر آن بمالند موی بروید و [illegible]

محکم کنند صفت آن قسط تلخ صد درم مرباد جوز چهل درم سلیخه شش درم
مجموع را نیمکوفته کنند و در شراب حینانند یک شبانه روز
دیگر بجوشانند و بپالایند و سه چهار یک روغن زیت با
روغن کنجد بر روی آن ریزند و بجوشانند تا روغن بماند روغن [illegible]
بنسخهٔ دیگر که امراض بارده را نافع باشد و محلل ریاح و مواد
غلیظه باشد و مقوی اعصاب است صفت آن قرنفل سلیخه از هر یک
ده درم قصب الذریره سنبل ساذج هندی خرفه اشنه
جندبیدستر قسط از هر یک بیست درم پنج بنفشه سی درم
مرباد پنج درم نیمکوفته در آب جوشانند تا نیمه شود بعد از آن
صاف کرده دو من روغن کنجد اضافه نمایند و چندان
بجوشانند که آب برود و روغن بماند روغن شونیز فالج و لقوه
و تشنج را سود دارد صفت آن شونیز بیست درم مغز بادام
تلخ سی درم بکوبند و روغن از آن بکشند روغن [illegible] معده و جگر
و جمیع اعضا را قوت دهد صفت آن روغن زیت یا روغن
بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن [illegible] تلخ نیم من افسنتین

رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه کند و چهل روز در آفتاب
بیاویزد روغن فرفیون همه دردها را که از سردی بود زایل کند
و فالج و استرخا را سود دارد صفت آن قسط ده درم کندش
چهل درم جند بیدستر پنج درم فودنه کوهی خشک دوازده درم
عاقرقرحا هفت درم مویزج سه درم جمله را نیم کوفته کرده در چهار صد
درم شراب کهنه بپزد تا سه بخش برود و یک بخش بماند نصف
آن روغن خیری با آن بیامیزد و بپزد تا شراب برود و روغن بماند
پس در هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه اندازد و بجوشد
داده بردارد روغن [illegible] برودت و اختناق رحم را سود دهد
و گرده و مثانه سرد را گرم گرداند صفت آن اسلیخه حب بلسان
قسط از هر یک ده درم خرفه قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم
گل سوسن سی عدد زعفران دو درم زردی از سوسن بردارد
و یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه کند و داروها را کوفته و
بیخته بر روی آن کند و نزدیک آفتاب بنهد در آفتاب
و چهل روز بگذارد پس بیرون آورد و بکار برد روغن

مسهل

بید انجیر مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبت پاک کند صفت آن
بید انجیر بریان کرده نرم کوفته بجوشانند و کف
گرفته نگاه دارد تا تمام کف بردارند و آب بماند
آن آب را بریزند و آن کفها را بجوشانند که تمام روغن
صاف میشود روغن بید انجیر مرکب فالج و لقوه و سده جگر و سپرز را
نافع بود و قولنج را بگشاید صفت آن نانخواه صعتر فودنه
کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک بیست درم
بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوسن خشک از هر یک ده درم
شیطرج و مقل از هر یک پنج درم سکبینج و جاوشیر و زرنباد
و درونج عقربی از هر یک سه درم زنجبیل و دارچینی و قاقله
خیربوا کبابه دارفلفل جوز بوا بسباسه شونیز قسط کرد با
از هر یک چهار درم مجموع نیم کوفته بخیسانند در آب گشنیز تر و
بجوشانند تا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن
بید انجیر ساده بر روی آن کنند و بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند شربتی دو درم تا سه درم بماء الاصول

روغن ترب مانند روغن زیت بود گرم تر از روغن بید انجیر
باشد درد گوش را نافع بود و بادهایی که در گوش بود دفع
کند صفت آن آب ترب سه جزو بگیرند و روغن کنجد یک جزو
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن خشخاش عسر البول را از
بعانیت نافع باشد صفت آن خشخاش ده درم زنجبیل چهار مثقال
نیم کوفته بجوشانند و بپالایند و چهار یک روغن کنجد اضافه
نمایند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کدو
بوییدن و مالیدن آن سرسام و مالیخولیا را نافع باشد
صفت آن کدوی تازه بستانند و پوست آن بخراشند و با تخم
و شحم بکوبند و آب آن بگیرند چهار من و یک من روغن کنجد بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر آن
باشد که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن بادام
روغن ریحان فالج و درد زانو را نافع باشد صفت آن آب ریحان
دو جزو روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن لاله معده سرد را گرم کند صفت آن برگ لاله از نبات آن

جدا کنند و در شیشه کنند و روغن زیت بر رویش ریزند
و یکماه در آفتاب بیاویزند روغنی که درد گوش را که از
گرمی باشد زایل کند صفتش روغن گل ده درم روغن بادام
شیرین پنج درم سرکه کهنه سی درم با یکدیگر ممزوج سازند
و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند و در گوش چکانند
روغن کندر درد گوش که از سردی بود زایل کند صفت آن
کندر پنج درم صبر مر مصطکی جندبیدستر حضض زهره گاو
از هر یک یک درم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه
چهل درم ادویه را کوفته با شراب و روغن بجوشانند
تا روغن بماند و بپالایند و در گوش چکانند روغن مصطکی
معده را قوت دهد صفت آن روغن زیت پنجاه درم در شیشه
کنند و ده درم مصطکی بر سرش ریزند و دیگی را نیم آب کنند
و آن شیشه در میان دیگ آویزند و آب را بجوشانند
تا آنکه مصطکی گداخته شود روغن مورد موی را نگاه دارد و آنچه
ریخته باشد برویاند صفت آن بگیرد آب مورد سه جزو

روغن زیت یکجز و با یکدیگر بجوشانند تا نزدیک انکه برود
و روغن بماند قدری لادن در آن اندازد تا بگدازد آنگاه
فرو گیرد روغنی که موی را محافظت کند صفت آن پوست بلیله
کابلی مازو و برگ مورد از هر یک یکجز و در شراب ریحانی
خیسانند یکشبانروز پس بپزند و بپالایند و یکجز و روغن کنجد
دران ریخته هر صد درم روغن را ده درم لادن در وقت فرود
گرفتن میندازند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی را چرب کنند
و صباح در حمام بشویند روغنی دیگر که موی را سیاه و دراز کند
و از افتادن نگاه دارد صفت آن ساذج هندی حماما حضض
ملی لادن آمله از هر یک چند درم کوفته در سه رطل آب بپزند
تا برطلی آید و یک رطل روغن کنجد بران ریزند و میجوشانند تا آب
برود و روغن بماند و هر روز با آب برگ کنجد و آب برگ
چغندر بشویند و این روغن میمالند روغنی که موی را سیاه کند
و شش ماه سیاهی آن بماند صفت آن بستانند جوز هندی و
سر آن برگیرند و مغزش بیرون کنند و هجده درم از آن مغز

باده درم آمله و ده درم براده آهن و پنج درم بوره ارمنی
بسایند جوزه را و درمیان آن جوز کنند و سر آن بخمیر محکم
کنند و تمام آن جوز را در گل حکمت گیرد و درمیان آتش نهند
تا یکساعت نجومی بگذرد از آتش بیرون آورده روغنی
که ازان متولد شود در موی مالد تا مقصود حاصل شود روغن حنا
موی را سیاه کند عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع بود
صفت آن برگ حنا چهار یک درد و من آب بجوشانند تا یکمن
آید و بپالایند و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن آمله موی را سیاه کند و قوی گرداند
صفت آن آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی
کوفته در آب بپزند تا مهرا شود بعد ازان صاف کنند
و هم چندان روغن کنجد اضافه کنند و بجوشانند تا روغن
بماند روغن خربزه و [illegible] بر هر موضعی که مالند موی روید
صفت آن بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه از آن
بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم مرغ در اندرون خربزه

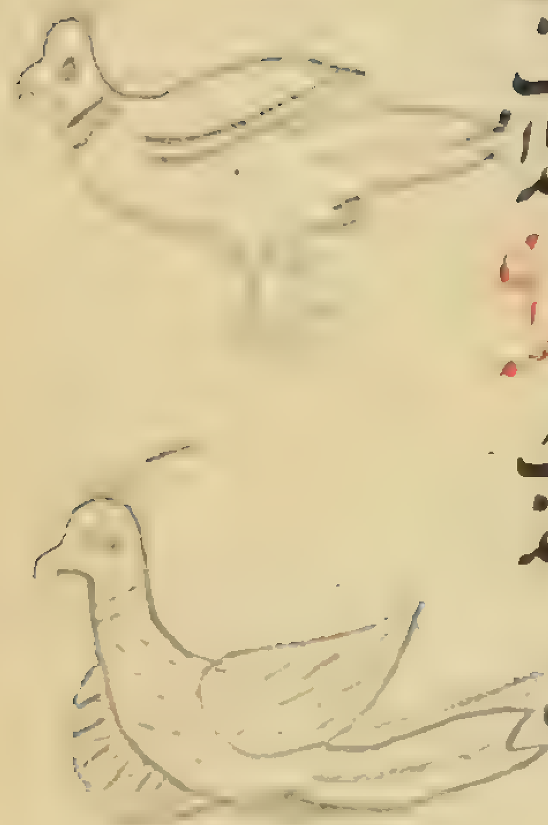
ریزند با پنج سیر روغن زیت و برگ مورد کوفته و برادهٔ
آهن صلایه کرده از هر یک ده درم و سوراخ خربزه را
محکم کنند و در گل حکمت گرفته یکشب در تنور نهند روز دیگر
بیرون آورند و گل را از ان جدا کنند و آن خربزه را با روغن
زیت بمالند تا نرم شود و بکار دارند روغنی که بهر بافراط
آورد چون بر بینی مالند صفت آن نوشادر نمک نفطی تخم سپندان
جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج مساوی نیمکوفته در آب بجوشانند
تا مهرا شود و صاف کرده با هم چندان روغن بید انجیر
بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند روغنی که
معده را قوت دهد و حبس عرق کند و اگر بر روی کسی کار
کند و باز دارد اسهال ببندد صفت آن آب به دو جزو
آب برگ مورد یک جزو روغن گل یک جزو بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن مازریون استسقا را نافع بود صفت آن
برگ مازریون یکچهار یک در سه من آب بجوشانند تا نیمه آید
و سه وقیه روغن بادام در او کنند و بجوشانند تا روغن بماند

بآز

شرتی نگیرد گرم باشد با شیر شتر اعرابی روغن بنفشه بادام
سرد و تر بود جرب را مالیدن نافع باشد و صلابت مفاصل را
نرم کند و در ناخن مالیدن صحت آن نگاه دارد و دفع
پیچوانی کند صفت آن مغز بادام شیرین که تلخ در میان
آن نباشد سفید کرده بدو نیم کنند و خشک کنند و هر دو
من بادام را یکمن پیدمشک بر رویش ریزند و در خریطه
کرباس دو روز با پیدمشک بگذارد و بعد از آن
پیدمشک را از وجدا کنند و بنفشه تازه بی علف بر زبر آن
بریزند و چند روز در زیر جامه خواب کنند تا نیک بوی
بنفشه بگیرد و بعد از ان معلق در آویزد تا خشک شود
و بنفشه از ان جدا کنند و روغن از ان بکشند چنانکه رسمست
روغن گل بادام معتدل بود در حرارت و برودت دماغ را
نافع بود و فهم بیفزاید و اسهال مراری را باز دارد و درد سر
که از گرمی بود سود دارد و چون در آب سرکه بزند
و بر صاحب جرب و حکه مالند نیک شود صفت آن

چون بنفشه باداشت بجای بنفشه ورق گل سرخ کنند
و دو من بادام را دو من ورق گل کنند روغن گل سرخ و سعد
و شقایق و زنبق و یاسمن و نرگس و سداب و شبت و بابونه
و هر چیز تازه باشد دستور آنست که در شیشه کرده در آفتاب
آویزند یکروز و روز دیگر روغن بر رویش ریخته در آفتاب بسپارند
روغن آجر که آنرا دهن المبارک گویند خواص بسیار دارد
و گرمتر از نفط سفید است و لطیفتر امراض بارده را نافع سودمند
بود جهت گزیدن عقرب و کسی که افیون و بزرالبنج خورده باشد
نافع بود صفت آن آجر سرخ آب نادیده بادام بادام کنند
و در آتش اندازند تا سرخ شود پس با نبر برداشته در روغن
زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خرد کنند و در شیشه
که بگل حکمت گرفته باشند کنند و سرش بموی اسب بگیرند
و بگلکی نهند که سوراخ در ته آن باشد و پر شحم کنند و آتش در آن
اندازند و چیزی در زیر شیشه بگذارند و روغنی که بچکد نگاه دارند
روغن سورنجان که مفاصل را نافع باشد صفت آن سورنجان و قصب مصری

وار



و آب کرفس تازه از هریک ده مثقال قصب الذریره
پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره نیم کوفته بخیسانند یکشبانروز
و روز دیگر بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب کرفس
اضافه نموده با چهار یک روغن زیت بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن بواسیر که بواسیر را نافع بود صفت آن
آب گندنا یکمن روغن کنجد یکمن با ده درم مقل بجوشانند تا آب
رفته روغن بماند روغنی که چون بمالند بر آلت مجامعت
معین باشد مصطکی جندوج افیون شیطرج هندی
فلفل کوفته در آب بسیار بجوشانند و بعد از آن صاف
کرده با روغن زنبق بآتش نرم بجوشانند که آب برود
و روغن بماند روغن [illegible] جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد
چون کف پا را با آن چرب کنند صفت آن ناتورهٔ هندی از
پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن در آن کنند
و سر شیشه را بموی اسب محکم کنند و شیشه را بگل حکمت گیرند و در
کاسه بزرگی که آتش توان کرد ترتیب نماید و زیر کاسه را سوراخ

نماید و سر شیشه را ازان سوراخ بیرون آورد و زیر
سر شیشه پیاله نهد و کاسه را بر بالای سه پایه نهد و آتش از
بالای شیشه کند در اندرون کاسه روغنی که ازان بچکد نگاه
دارد. روغن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون
آورد. دهن [illegible] ریوند چینی سعد هندی حظبا یا پوست بیخ کبر
از هر یک یکوقیه روغن بادام تلخ یکرطل داروها را کوفته
در شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند و یکهفته در آفتاب نهند
بعد ازان بپالایند و ده عدد عقرب زنده دران اندازند
و سر شیشه به بندند و یکهفته دیگر در آفتاب نهند پس بپالایند
و دو قطره ازان در احلیل چکانند. روغن [illegible] منقول از جالینوس
اوجاع بارده احشا و قولنج و مغص ریحی را نافع باشد و بادهای
غلیظ را ببرد و درد گوش ساکن گرداند و چون در بینی چکانند
صداع و شقیقه بارده را سود دارد و زنگ را خوب گرداند
و رحم را گرم گرداند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه را
نافع باشد. این روغن اشرف روغنهاست و منافع این بسیار است

صبر

دهن قشور قصب الذریره سعد ورق الغار عود بلسان
لک ساذج هندی برگ مورد اذخر اهیل راسن قردمانا
مرزنجوش مساوی بکوفته در شراب یا آب خیسانند یکشبانروز
روز دیگر صاف کرده با روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند
[illegible] اورام صلبه معده را نافع باشد [illegible]
روغن بان یکرطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر
قصب الذریره از هر یک یکدرم و نیم کوفته در شیشه کرده
سرش محکم کنند و یکهفته در آفتاب بگذارند و بعد ازان صاف
کرده ادویه را دیگر باره دران ریزند و تکرار کنند تا سه نوبت
بعد ازان صاف کرده استعمال نمایند. روغن عقرب
سنگ گرده و مثانه را بریزاند [illegible] عقرب را در شیشه کنند
و سر شیشه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور نهند شش ساعت
پس بیرون آرند و کوفته بحریر بیخته بگذارند استعمال نمایند
طریق سوختن عقرب آنست که در ظرف سفالی یا کاشی
کنند و سر ان ظرف بگل بگیرند و در تنوری که نان پخته باشند

شش ساعت بگذارند بعد از ان برداشته استعمال نمایند
باب الزرزعونی پشت و گرده را محکم کند و معده را
قوت دهد و دفع بلغم کند و بوی دهن خوش کند و آب
رفتن از دهن باز دارد و بادها بشکند و ریگ مثانه پاک کند
و منی بیفزاید صفت آن تخم کرفس تخم کزر تخم شلغم شبت نانخواه
رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس از هر یک
پنج مثقال عاقرقرحا خرفه زعفران مصطکی عود خام از هر یک
پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی فلفلمویه از هر یک سه درم
عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن ادویه عنبر را در عسل کف
گرفته بگذارند و ادویه را کوفته با آن بسرشد و بعد از
دو ماه استعمال نمایند شربتی دو مثقال زرعونی که منی افزاید
و باه را قوت دهد و پشت و گرده را محکم کند و در امر
مجامعت عظیم نافع باشد صفت آن تخم کرفس تخم کزر تخم شلغم
تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ
مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه

از

پنج کرفس از هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه عاقرقرحا
کبابه زنجبیل تخم اسپست تخم جرجیر پیاز حب الرشاد تخم
تخم گندنا خولنجان جوز بوا کل خرفه دارفلفل از هر یک سه درم
خرفه زعفران کندر مصطکی عود از هر یک چهار درم تخم شلغم بهمن
بوزیدان بهمن سرخ و سفید شقاقل لسان العصافیر از
هر یک پنج درم بصل العنصل بریان کرده یک درم خصیة الثعلب
کاوسوده مغز سر گنجشک نر خشک مربی گشنیز از هر یک
ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص نیم مثقال قند
بوزن ادویه عسل بوزن مجموع بطریق معهود معجون سازند
گرم مزاج را دو مثقال دهند و از عقب آن ده درم شیره
و ده درم شکر در ان حل نموده بیاشامد و سرد مزاج پنج درم
فرو برد و بعد از ان یک کاسه ماء العسل بیاشامد باب ال
سفرجل مسهل معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد
و اشتها طعام آورد و قولنج بگشاید صفت آن آبه اصفهانی را
از پوست و دانه پاک نماید ثمن و در سرکه ... بجوشانند

تا تیره شود و از غربال بیرون کنند و یکمن عسل صاف بر آن کنند
و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها را کوفته و بیخته بآن بسرشند
ر ۹۹ زنجبیل دارفلفل قاقله کبار و صغار دارچینی زعفران
از هریک سه درم مصطکی پنج درم زبد عنبر سی درم سقمونیا
ده درم شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم
جهت قولنج نافع باشد سفرجلی تابستانی صاحب مزاج گرم را نافع باشد
و در فصل گرما توان داد و از جهت محمد بن زکریا این را اسفرجلی
تابستانی نام نهاد صفت آن سقمونیا دو درم و نیم ترنجبین ده درم
مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هریک پنج درم ورق گل سرخ
طباشیر از هریک دو درم و نیم ترنجبین عصاره به از هر یک
پنجاه درم آب به و ترنجبین بجوشانند چندانکه ترنجبین گداخته
شود و بقوام آید پس داروها را کوفته و بیخته بآن بسرشند
انجمله ده شربت سفرجلی ممسک شکم ببندد و معده را
قوت دهد و دفع قی کند و لون را نیکو گرداند و اشتهای
طعام آورد صفت آن به صفهانی از پوست و تخم پاک کرده

من

یمن در سرکه بجوشانند تا تیره شود پس بکوبند و یکمن عسل بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و این داروها را
کوفته و بیخته بآن بسرشند زنجبیل فلفل دارفلفل از هریک
چهار درم تخم کرفس نانخواه زعفران از هریک دو درم
شربتی چهار مثقال سجزینیا بادهای غلیظه را نافع بود و درد
دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد و سده
جگر بگشاید و صلابت او را تحلیل کند و معده را گرم کند
و تخمه را نافع بود و سرد مزاج را نافع باشد صفت آن
جندبیدستر دارچینی افیون انیسون فوتنج دوقو از
هریک یک درم فلفل دارفلفل بارزد قسط از هریک شش درم
زعفران نیم درم بارزد را در عسل بگدازند و داروها را
کوفته و بیخته بآن بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی نیم مثقال تا دو درم با آب گرم سکنجبین بساذ صفرا دفع کند
و محرور مزاج را موافق بود و تبهای حاره را و جگر گرم را
نافع بود و تشنگی بنشاند و سده بگشاید و بول براند صفت آن

چینی پنجدرم ریوند را کوفته در کیسه بندد و با ده دیگر
درد و من آب بجوشانند و زمان زمان کیسه ریوند را بدست
میمالند تا شیره تمام باز دهد پس کرده یکمن قند و چهل مثقال
سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده درم با نیم درم
گلاب بدهند سکنجبین ریوندی درد جگر را سود دارد و سده
بگشاید و طبع را نرم کند صفت آن ریوند چینی سی درم بزر
سفید بسفایج فستقی تخم کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم
غاریقون مغز بلخ پنجدرم مجموع در ده من آب بپزند تا سه
درم و دو دانگ زرنجبیل کوفته اضافه نمایند و صاف
کنند و با چهار یک سرکه و یکمن و نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند
و بقوام آورند سکنجبین بزوری شده سپرز و جگر بگشاید
و بول براند و تبهای مرکب را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی
رازیانه تخم کرفس از هر یک سه درم سه تخم از هر یک پنجدرم
پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک هشت درم
مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم سرکه خیسانند

قند سفید یکمن در دیگ کنند و چهار یک سرکه صاف روی
آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و یک وقیه گلاب بر سر آن
کرده فرو گیرند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید و بول براند
و استسقا و تبهای حاره را نافع بود و تشنگی ببرد صفت آن
پوست بیخ کاسنی هشت درم سه تخم از هر یک پنجدرم نیم
کوفته در آب و چهار یک سرکه خیسانند و بگذارند
و روز دیگر بجوشانند و بپالایند و یکمن قند بقوام آورند و
بر سر آن کرده دیگر باره بقوام آورند و بردارند سکنجبین بزوری
حاره سده جگر بگشاید و بول براند و فضول را از معده پاک کند
و مستسقی را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث
تخم کرفس رازیانج انیسون از هر یک پنجدرم پوست اصل رازیانه
پوست اصل کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه خیسانند
چنانکه گفته شد یکمن قند اضافه کرده بقوام آورند سکنجبین بزوری
یرقان و درد جگر را که از گرمی بود سود دارد صفت آن تخم کاسنی
نیم کوفته بیست درم تخم شاهتره تخم کشوث از هر یک ده درم کوفته

یکشبانروز روز دیگر بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند
سکنجبین بزوری امبرون را زیانه تخم خیارین تخم خربزه تخم کاسنی
بیخ کاسنی بیخ رازیانه تخم کرفس بیخ کرفس کشوث از هر یک
ده درم قند سفید بیست و پنج درم سرکه بقدر حاجت
سکنجبین رمانی تبهای محرقه و جگر و معده گرم را سود دارد
و تشنگی نشاند صفت آن آب به صاف کرده یکمن با چهار یک
سرکه و یکمن قند بجوشانند تا بقوام آید و اگر بعوض سرکه
آب لیمو کنند صواب باشد سکنجبین لیموی که همین خاصیت دارد
صفت آن آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و گلاب و آب لیمو
از هر یک سی مثقال قند یکمن بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین دیگر
که صلابت سپرز را نافع بود و مفید باشد صفت آن ریوند چینی
غاریقون فوه پوست بیخ کبر و پوست بیخ درخت گز مازج
افتیمون غافت تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم
چهار یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با یکمن قند بقوام
آورند سکنجبین دیگر که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال

صفو

صفرائی باز دارد و کسی را که آبله پدید آمده باشد نافع بود
صفت آن سرکه کهنه و گلاب از هر یک چهار یک زرگل
پنجاه درم گلنار بیست درم در سرکه و گلاب خیسانند
سه شبانروز پس بجوشانند و به پالایند و با یکمن قند
سفید بقوام آورند سکنجبین افتیمون مالیخولیا و اصحاب
توحش و مصروع را نافع بود صفت آن افتیمون ده درم
بسفایج فستقی زرتد از هر یک شش درم گاوزبان و سیاسان
تخم کاسنی اریسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک
پنج درم حاشا ورق گل سرخ کمافیطوس از هر یک چهار
درم تخم بادروج فرنجمشک بادرنجبویه زرنباد درونج عقربی
بهمن سرخ و سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر یک
سه درم گلقند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب خیسانند
یکشبانروز بعد از آن با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین افتیمونی
نوعی دیگر صفت آن اسطوخودوس رازیانه شاهتره از هر یک
پنج درم افتیمون بسفایج فستقی سازگی پوست بلیله کابلی

هر یک ده درم و نیم کوفته و بیخته در پنجاه درم سرکه بخیسانند
و با انگبین قند بقوام آورند سکنجبین بزوری استسقا و صلابت طحال
و ورم صلب جگر را نافع و سده بگشاید صفت آن رازیانه و پوست
بیخ رازیانه پوست بیخ کبر کاسنی انیسون پوست بیخ کاسنی
خشک زوفا فوه غافت افسنتین از هر یک ده درم تخم
کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعده سنبل اسارون
از هر یک هشت درم در صد درم سرکه خیسانند و با انگبین قند
بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع بود
صفت او سرکه عنصل یکچاریک عسل مصفی یکمن بجوشانند تا
بقوام آید سکنجبین عنصلی دیگر استسقا و درد پهلو که از سردی
بود و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را
نافع بود و سده سپرز و جگر بگشاید و بچه مرده بیندازد
صفت او سرکه عنصل یکمن زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت
عاقرقرحا پودنه کوهی از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی
قردمانا از هر یک چهار درم ادویه را نیمکوفته در سرکه

عنصل

٣٨

عنصلی و یکچاریک عسل صاف بجوشانند و یک هفته در آفتاب
نهند و بعد از آن بپالایند و نگاه دارند و پیش از طعام
سی درم استعمال نمایند سرکه عنصلی بیخ دندان سخت کند و بوی
دهن خوش کند صفت آن بگیرند پیاز عنصلی و بکارد چوبین پاک
کنند و در ریسمان کشند چنانکه بیکدیگر نچسپد و چهل روز
در سایه نگاه دارند تا خشک شود پس در ظرفی کنند
و هر یکمن پیاز را نه من سرکه کهنه داخل کرده دو ماه در
آفتاب بنهند و نگاه دارند سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد
صفت او گل سرخ و طباشیر از هر یک سه درم کشنیز خشک دو درم
پست جو مروارید ناسفته کهربا از هر یک نیم درم کافور
دانگی شربتی دو درم با سکنجبین سفرجلی سفوف رب السوس
سه درم کثیرا صمغ عربی هر یک پنج درم خشخاش چهار درم
باقلا پنج درم نبات سفید پنج مثقال سفوف سازند صفت
مصطکی زنجبیل اگر ترکی نبات سفید سفوف سازند
شربتی یکمثقال سفوف هاضم وج فلفل زنجبیل شونیز زیره کرمانی

مصطکی سفوف درونج خفقان سرد را سود دارد صفتش درونج
عقربی لسان الثور از هریک شش درم زرنباد دو درم
کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با چهار یک شراب کهنه یا ما
العسل سفوف عود معده سرد را سود دارد قرنفل کبابه
از هریک پنج درم سنبل مصطکی از هریک سه درم عود خام
بیست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی یک مثقال با دو درم
کلعند سفوف قاقله قاقله خیربوا کبابه مساوی شکر بوزن همه شربتی
دو درم با آب گرم سفوف حماض تخم کاسنی تخم کرفس زرشک
مقشر عدس مقشر سماق گل سرخ مساوی کوفته و بیخته شربتی
سه درم با یک طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشد
سفوف کرفس دفع سرعت مستی کند صفتش تخم کرفس مغز بادام
شیرین مغز بادام تلخ فودنه از هریک سه درم نانخواه نمک
سذاب زیره از هریک یک درم کوفته و بیخته در آب انار حل کرده
بازخورد شربتی سه درم سفوف نانخواه بادهای معده دفع کند و معده را
از اخلاط غلیظ پاک کند صفتش نانخواه تخم کرفس از هریک پنج درم

کند

کندر چهار درم فقاح اذخر فقط مصطکی از هریک سه درم
سپندان سعید سی درم کوفته و بیخته با فانید بسرشند شربتی
پنج درم سفوف اسهال بلغمی باز دارد صفتش جوز بریان
کرده سه درم نانخواه یک درم کندر پنج درم کوفته با آب
گرم بنوشد سفوف مقلیاثا بواسیر و مغص و اسهال کهنه
و زحیر و ضعف معده را نافع بود صفتش تخم تره تیزک
بیست درم زیره کرمانی در سرکه بخیسانند و خشک کرده
و بریان کرده پنج مثقال بزرکتان و تخم گندنا و هلیله سیاه
در روغن زیت بریان کرده از هریک دو مثقال
مصطکی یک مثقال مجموع را کوفته سوی تخم تره تیزک شربتی
دو درم با آب سرد سفوف مقلیاثا بزرقطونا تخم ریحان
بارتنگ تخم مرو خشخاش تخم خرفه تخم حماض نشاسته
صمغ عربی گل ارمنی تخمها را بریان کنند و بکوبند و سوده
چهار تخم اول و سفوف سازند سفوفی که سلس البول را دافع است
صفتش بلوط پنجاه درم کندر سی درم کشنیز خشک بریان

کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یکی ده درم گلنار و کزمازج
از هر یک پنجدرم شربتی سه درم با آب خالص سفوفی دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن اکندر سعد خولنجان زرد کرمانی
بلوط حب الآس مساوی کوفته و بیخته بنوشند سفوف نمک
معده و جگر و اوجاع مفاصل و هر مرضی که سبب آن امتلا بود
نافع باشد صفت آن نمک طعام سی درم فلفل سفید بیست درم
زنجبیل پانزده درم افتیمون هفت درم تخم جرجیر نانخواه نوشادر
فلفل سیاه فوذنه از هر یکی ده درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم با آب گرم سفوفی دیگر جگر را نافع باشد صفت آن
هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هر یک چهل درم تخم کرفس و تخم
رازیانه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با شربت
سفوف دیگر کرو ماخرنوب آرد پسته آرد کنار آمله کزمازج
عود طرا اثیث طباشیر تخم مورد کشنیز خشک سماق سفوف
شربتی یک مثقال با شیر و تخم خرفه بود اده سفوفی دیگر که ورم جگر را
سود دارد و بول براند صفت آن تخم خربزه تخم خیارین از هر یک

پنجدرم

۴۰

پنجدرم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس
انیسون رازیانه رب السوس از هر یک ده درم عصاره
زرشک چهار درم ریوند چینی یک مثقال ایضا لک مغسول
چهار دانگ زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک
یکدرم کافور دو دانگ شربتی سه درم سفوفی بجهت سعد
پنجاه درم در سرکه و قدری آب خیسانند یکشبانروز
و خشک کنند و برنج شسته خشک کرده و نان میده
خشک از هر یک سی درم مغز بادام مقشر شصت درم
کشک جو کشک گندم از هر یک سی درم خشخاش سفید
سی درم شکر طبرزد همین مجموع کوفته در یکدیگر ممزوج کنند و
هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند سفوفی دیگر
پوست انار عفص حب الآس سماق سفوف سازند شربتی
یکدرم با آب سرد سفوفی مقوی طباشیر صمغ عربی حب الآس گل ارمنی
شاهبلوط نشاسته تخم مرو حماض بزر قطونا تخم خیارین
تخم ریحان سفوفی بجهت زحیر نظیر ندارد صفت آن تخم تره تیزک

بریان کرده بزرقطونا بریان کرده ابهل بریان کرده از هر یک
دو درم زیره کرمانی تخم کندنا تخم شبت تخم خشخاش
انیسون تخم کرفس بذر البنج از هر یک دو درم و نیم افیون
سه درم و دانگی کوفته و بیخته دو درم سفوف سازند
سفوفی که نفث الدم را نافع باشد صفتش طباشیر گل سرخ گل ارمنی
گل مختوم سادنج عدس مقشر تخم خرفه از هر یک پنج درم
بسد کهربا مروارید خشخاش سفید رب السوس اقاقیا
عصارهٔ لحیة التیس از هر یک سه درم بزرقطونا بیست درم
افیون دو درم مجموع را کوفته و بیخته سوی بزرقطونا سفوف سازد
شربتی دو درم با آب باران یا با آب برگ خرفه و اگر حرارت
قوی نباشد سه درم کندر اضافه نمایند سفوف آخر جهة زحیر و
خون رفتن صفتش صمغ عربی بریان کرده تخم کرفس بریان کرده
تخم ریحان بوداده طباشیر سفید گل ارمنی کوفته و بیخته بغیر
از تخم ریحان شربتی یکمثقال با روغن بادام سفوف حب الرمان
ضعف معده و امعا و اسهال مراری را نافع باشد صفتش

انار دانه

انار دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق زیره کرمانی مدبر
حب الآس سنجد کشنیز خشک بریان کرده خرنوب آرد کنار
از هر یک پنج درم عود خام پنج درم آمله یکمثقال کوفته و بیخته با آب
رب به استعمال نمایند شربتی سه درم سفوف الطین که آن را سفوف
النسا نیز خوانند اسهال مراری و دموی را نافع باشد صفتش آرد
بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم حماض بریان
کرده صمغ عربی گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته بغیر از تخم
اول در یکدیگر بیامیزد شربتی سه درم به روغن گل یا بادام چرب
کرده بگلاب تر کرده فرو برند سفوف ابن ابی سوید جهة زحیر و وجع
امعا و تشنج نافع است صفتش تخم خطمی مقشر و تخم خیار مقشر
از هر یک پنج درم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ
عربی گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
صباح و سه درم مسا با آبی که طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی
در آن منقوع باشد نافع بود سفوف بزرگ شکم به بندد و ضعف معده را
نافع بود صفتش سماق یا لخواه زرشک نار دانه بریان کرده

زرشک مقشر آرد کنار از هر یک دو درم نبات سفید بیست درم
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف تشنگی نشاند و اسهال
معده را نافع باشد سفوف سماق ده درم حب الآس و
انار دانه بریان کرده از هر یک پنجدرم خرنوب پانزده درم
صمغ عربی گلنار از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
سفوف [illegible] ورق گل سرخ زرشک مقشر یکدرم و نیم
لک مقشر یکدرم و نیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته صمغ عربی
هر یک یکدرم خشخاش نیم مثقال تخم حماض یکمثقال زعفران
دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف امله امله نیم مثقال
مصطکی عود خام ریوند چینی گل سرخ زیره مدبر کرده تا مدبر
رب السوس مغز تخم خیارین نعناع از هر یک یکمثقال کوفته
و بیخته سفوف سازند سفوف [illegible] نقرس و مفاصل و عرق
النسا را نافع بود سفوف اسورنجان ده درم سنا مکی هفت درم
پوست هلیله زرد مغز بادام از هر یک سه درم زعفران نیم درم
سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم اگر ماده بلغمی باشد تربد سفید نیم مثقال

42

اضافه نمایند و سقمونیا یکدرم زیاده سفوف [illegible] مسلول را
بغایت نافع بود سفوف سرطان نهری محرق ده درم طین
قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید و سیاه مغز تخم خربزه از هر یک
[illegible] کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار شیرین یا
[illegible] خشخاش سفوف که سنگ از گرده و مثانه بریزان
ند سفوف مغز تخم خربزه صمغ عربی از هر یک مساوی کوفته و بیخته
[illegible] درم تا یکدرم سفوف که خفقان گرم را نافع باشد
[illegible] کشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر کهربا
[illegible] کافور نیم دانگ کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند
مغناطیس از بهر آنکه زر ساخته بود در [illegible]
دی رودی و سوراخ را نافع بود سفوف
[illegible] هندی عود اسارون مصطکی هلیله کابلی
[illegible] زیره کرمانی دارچینی اشنه فلفل دار فلفل
[illegible] جوز بوا کافور قاقله از هر یک دو درم
[illegible] یکدرم نبات شش وزن ادویه

عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از
هر یک پنجدرم صندل سفید دو درم و نیم کافور یکدرم
شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب غوره یا شراب انار
سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند و بیرون
آورد **صفتش** مغز تخم خیار زه مغز تخم کدو و مغز تخم خربزه
هر یک پنجدرم خسک مربّا چهار درم حجر الیهود و قلت از
هر یک سه درم تخم کرفس سیبالیوس فطراسالیون از هر یک
یکدرم صمغ عربی کثیرا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته
شربتی دو درم با شراب خسک **سفوفی** که در ساعت شکم
به بندد **صفت آن** ساهبلوط سه درم مازو پوست انار از هر یک
چهار درم سماق شش درم حب الآس هشت درم کوفته و بیخته
شربتی دو درم با آب سرد **سفوف** حجر الیهود نسخه دیگر تخم قلت
پانزده درم مغز تخم خربزه مغز تخم خیار زه مغز تخم کدو از
هر یک چهار درم و نیم سیبالیوس دو درم صمغ عربی
نشاسته کثیرا از هر یک درم حجر الیهود شش درم قند هشتاد

شربتی یکدرم تا سه درم **سفوف عصاره** معده سرد و تر را نافع باشد
و جگر را قوت دهد **صفت آن** لک مغسول حب الآس بلوط مصطکی
مازو عود بلسان قشر رمان از هر یک چهار درم تخم گشنیز
از هر یک یکدرم نبات پنجاه درم شربتی سه درم
مزوره گوشت نخورد **سفوفی** که فواق بلغمی را
تخم کرفس فطراسالیون سعد از هر یک دو
بیرون پسته انیسون فودنه اسارون
از هر یک سه درم وج نیمدرم شربتی دو
و تهیج را ببرد **صفتش** گل سرخ هشت
عصاره غافث افسنتین و می
فقاح اذخر اسارون رب السوس
زعفران یکدرم شربتی دو درم با
بنشاند و دفع خمار کند و اسهال
ساکن کند و کسی را که آبله برخواهد
ورق گل سرخ ده درم طباشیر

هشت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب نخود سیاه باشامند
سفوف منوم صفت کندر عود خام از هر یک دو درم خشخاش ده درم
تخم کاهو پنج درم زعفران دانگی نبات سپید درم کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند
و معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد صفت زرنباد تخم
کرفس نانخواه زیره از هر یک دو درم کندر سه درم پنجنگشت
ده درم نبات نود مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف کهربا
خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت کهربا گل ارمنی گلنار
دم الاخوین لک مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یک دانگ
افیون در یک وقیه نقیع سماق حل کرده بدهند سفوفی که از جهة
بول دم نافع باشد صفت شادنج مغسول دم الاخوین بسد کهربا
شب یمانی گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته
شربتی دو درم با آب سماق سفوفی که دفع سرعت انزال کند
صفت طباشیر خشخاش افیون کندر از هر یک یک درم جوز السرو
سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم بشراب خشخاش سفوفی

که اسهال

که اسهال معدی را نافع باشد صفت انار دانه بریان کرده
پنج درم خرنوب شامی و خرنوب نبطی و بلوط در سرکه خیسانیده
یک شبانروز در سایه خشک و بریان کرده از هر یک پنج درم سماق
سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم نافع باد سفوف سورنجان نسخه دیگر
اوجاع مفاصل را نافع بود صفت سورنجان سفید زیره
کرمانی بریان کرده فودنه از هر یک دو درم فلفل یک درم قند
سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف لؤلؤی
ذوسنطاریا کبدی را نافع بود و معده و دل و جگر را قوت
دهد و حرارت تشنگی بنشاند صفت مروارید ناسفته چهار درم
بسد سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم
کاهو صندل سفید باز شک بریان کرده تخم حماض بلوط بریان
کرده تخم مورد پست کنار آرد سنجد کشنیز خشک بریان کرده
صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک پست جو بریان کرده
طراثیث تخم مورد بریان کرده بزر قطونا بریان کرده از هر یک سه درم
گل مختوم و مصطکی از هر یک یک درم انار دانه پنج درم کهربا

افافیا معسول از هر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته بغیر از بارتنگ
و بزرقطونا و تخم مرو سفوف سازند سفوف دیگر تخم حماض بارتنگ بیدانه
تخم زرشک کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ خرنوب شامی بلوط
طباشیر از هر یک یکدرم سماق حب الآس از هر یک دو درم
انار دانه چهار درم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف خرنوب
اسهال معدی و استرخاء معده را نافع باشد صفتش خرنوب
نبطی بیدانه بهدانه زیره کرمانی بذر سماق پسته کنار حب الآس
مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده از هر یک دو درم کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال با آب مورد نافع بود سفوف الزوفا بادها بشکند
و معده را قوت دهد صفتش کرویا انیسون زیره کرمانی
فاقله خرفه نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم درم
زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ قند پنج مثقال مجموع کوفته
و بیخته شربتی دو درم سفوفی که بادها بشکند و استسقاء طبلی را
نافع بود صفتش تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون قسط رومی
چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل و سعد از هر یک

یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که قرحه مثانه را نافع است
صفتش دم الاخوین شادنج مغسول نشاسته تخم کرفس از هر یک
نیمدرم صمغ عربی یکدرم مومیائی دو دانگ کاکنج دو دانگ
کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم با شراب حماض بنوشند
سفوفی که مدقوق و مسلول و قروح سینه و نفث الدم را
نافع باشد صفتش صمغ عربی و نشاسته و کثیرا و مغز دانه
خشخاش سیاه تخم کاهو تخم خطمی از هر یک شش درم صندل
سفید دو درم سکر العشر طباشیر از هر یک سه درم ورق
گل سرخ تخم خیار تخم کدو عصاره لسان الحمل گل مختوم
گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته
شربتی دو مثقال با نیم دانگ کافور و دو دانگ رماد السرطان
بشراب خشخاش و شیره تخم خرفه نافع باشد سفوف حب العنب
شکم ببندد و معده را قوت دهد صفتش دانه انگور و صمغ
عربی از هر یک چهار درم حب الآس و سماق از هر یک دو درم
مصطکی گلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوفی

که نافعست جهة اسهالی که با آن سرفه باشد صفتش حب الآس
سماق بلوط خشخاش خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی
یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوفی دیگر که همین خاصیت دارد
صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هر یک چهار درم
پرسیاوشان کندر از هر یک یکدرم خرنوب شامی مقل مکی
از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی سه درم بشراب خشخاش
سفوفی که حرقة بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند
صفتش مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه
خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته کثیرا رب السوس
از هر یک سه درم بزر البنج سفید دو درم قند برابر همه سحق
سه درم صباح و سه درم شبانگاه بشراب خشخاش
سفوفی دیابیطس صفتش صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط از
هر یک پنج درم نشاسته کثیرا تخم کاهو خرفه از هر یک سه درم
صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب انار ترش
سفوفی که اوجاع مفاصل را نافع بود صفتش سورنجان ده درم سقمونیا

یکدرم و چهار دانگ کبابه یکدرم قند سفید سی درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوفی که بواسیر و اسهال و زحیر و مغص را
نافع است صفتش تخم تره تیزک بریان کرده نوزده مثقال
بزرک بریان کرده بزر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس بریان کرده
گل ارمنی تخم مرو از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یکدرم کوفته
و بیخته سوی تخم تره تیزک و بزر قطونا و تخم مرو سفوف سازند
سفوفی که نافع است جهة حرارت جگر و یرقان و نفث
الدم و سده جگر صفتش بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم
خیار از هر یک چهار درم گل ارمنی لک مغسول گل سرخ
سنبل اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر نیمدرم مصطکی دو دانگ
شربتی یکدرم با آب سرد سفوفی که نافع است جهة یرقان
و درد جگر و قی صفرائی صفتش لک مغسول اکمیقال طباشیر
دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم شربتی دو درم
با آب تمر هندی یا شراب آلو سفوفی مسهل گل سرخ چهار درم
زرشک منقی دو درم و نیم سنبل عصاره غافت افسنتین

ریوند چینی از هر یک یک درم فقاح اذخر نیم دانگ اسارون
السوس پنج دانگ زعفران نیم درم کوفته و بیخته سفوف سازند
سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت
شاه بلوط دانه مویز آرد کنار از هر یک ده درم خرنوب نبطی
حب الآس از هر یک بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوف دیگر که همین خاصیت دارد دانه مویز تخم حماض انار دانه
صمغ عربی از هر یک سه درم حب الآس بلوط از هر یک
چهار درم خشخاش سفید یک درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوف جهه سرعت انزال که سبب آن حرارت باشد نظر دارد
بزرقطونا دو درم تخم خرفه سه درم کشنیز خشک یک درم و نیم شربتی
یکمثقال باشد تا سفوف سازند سفوف که نافعست و امتلائی را
صفت تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی کوفته و بیخته شربتی
یکمثقال سفوفی که نافعست جهه ضعف معده که سبب آن حرارت
باشد صفت گل سرخ از هر یک پنج درم عود دو درم
دو درم آمله و طباشیر از هر یک سه درم سنبل یک درم زعفران

٤٧ فور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار
سفوفی که زنگ را سرخ گرداند روناس خشک ده درم
زعفران سه درم قند سفید سیزده درم کوفته و بیخته هر روز
دو درم سفوف سازند سفوفی که سده سپرز بگشاید صفت
تخم کاسنی کزمازج از هر یک پنج درم حب الفقد یک درم و نیم
کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین سفوفی که نافع است وجع
کلیه را که سبب آن برودت باشد صفت آن قسط سنبل ورد ماما
حماما تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یک درم سفوفی که بدن را
لاغر کند صفت لک مغسول دو درم نانخواه تخم سداب
زیره کرمانی از هر یک چهار درم مرزنگوش بوره ارمنی از
هر یک یک درم کوفته و بیخته شربتی هر روز یکمثقال با گلقند بنوشند
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت لک مغسول سندروس از
هر یک چهار دانگ مرزنگوش نیم درم زاج زرد اوند مدحرج خطایی
از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ سفوفی صفت
که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع بود

تخم سداب سه درم فنجنگشت بیخ سوسن از هر یک دو درم گلنار
ورق گل سرخ از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته دو درم
ازان در آب غوره یا دوغ حل کرده بنوشند سفوفی که نافع است
جهت قروح کلیه و مثانه و مانند آن صفت گل مختوم دم الاخوین
نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو
رب السوس لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر حسک خشخاش
بزر البنج مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با سکنجبین سفوفی که وجع
کلیه و مثانه را تسکین دهد صفت آن بزر البنج دانگی افیون قیراطی
مغز تخم خیارین تخم کاهو سه درم تخم خرفه یک درم کوفته بشراب
خشخاش بنوشند سفوفی که جهت استرخاء زبان نافع است صفت آن
دارچینی حماما سنبل از هر یک سه درم ساذج نانخواه زراوند طویل
تخم کرفس شبت مصطکی سیساليوس دوقو افسنتین از هر یک یک درم
مروارید ناسفته کهربا از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی تا
درم با شراب کهنه سفوفی که در آبستنی معین باشد صفت نشاره عاج
نبات از هر یک یک مثقال زن آنرا سه شب سفوف سازد شب چهارم

مرد با او مجامعت کند آبستن شود بشرطی که بعد از طهر باشد
و بعضی گفته اند که نشاره عاج را زن هفت روز متوالی
هر روز دو درم با ماء العسل بیاشامد بعد ازان جماع دهد آبستن شود
سفوفی که بول را بند و حرقة البول را نافع باشد صفت
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه نشاسته کثیرا رب السوس از
هر یک سه درم بزر البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم
با شراب خشخاش سفوفی که قی دم را نافع باشد صفت گل ارمنی
صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر از هر یک یک درم کوفته و بیخته
با ده درم رب به بنوشند سفوفی که قی بلغمی را دفع کند صفت
کندر مصطکی از هر یک یک درم عود خام یک درم انار دانه یازده درم
قرنفل قاقله جوز بوا بسباسه سعد نعناع از هر یک چهار درم
پوست ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل و [illegible]
از هر یک یک درم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی سه درم سفوفی
که شهوت طین و شهوات ردیه را نافع باشد صفت آن افسنتین
تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم

ونیم قرنفل نیم درم کوفته وبیخته شربتی هر صبح وشام یکمثقال
سعوطی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مصطکی زیره کرمانی
نانخواه فلفلین مساوی نبات برابر همه کوفته وبیخته سعوط سازند
سعوطی که صداع گرم وخشک را نافع بود صفت آن آب کاهو وروغن
نیلوفر از هریک یکجزو شیر دختران دوجزو با یکدیگر ممزوج
سازند ودر بینی چکانند سعوطی که درد پیچ و درد چشم اطفال را
نافع باشد صفت آن کندش حضض کندر از هریک یکدرم صعتر
زعفران مر از هریک نیم درم کوفته وبیخته گلولها ساخته بوقت
حاجت بشیر دختران با روغن بنفشه بادام بسایند ودر بینی
چکانند سعوطی که صداع بلغمی وریحی ودوار را نافع باشد صفت آن
صبر مر کندر حضض جند بید ستر زعفران صعتر دار فلفل فلفل سعد
از هریک یکدرم کندش دو درم مشک نیم درم کوفته وبیخته
با آب مرزنگوش سرشته حبها سازند وبوقت حاجت با آب
مرزنگوش بسایند ودر بینی چکانند سعوطی که سکته ولقوه را
سود دارد صفتش زهره کلنگ با آب مرزنگوش بسایند با آب

سداب بسایند وبچکانند یا جند بید ستر با ماء العسل در بینی چکانند
سعوطی که صداع حار را نافع باشد صفتش روغن بنفشه بادام
یا روغن نیلوفر روغن کدو آب کاهو آب کاسنی شیر دختران
همه مساوی بهم بیامیزند ودر بینی چکانند سعوطی که فالج ولقوه را
سود دهد صفتش صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در آب چغندر حل کرده
در بینی چکانند سعوطی که شقیقه سرد را نافع است صفتش روغن
بادام با آب مرزنگوش در بینی چکانند سعوطی که سرسام وصداع
حار را نافع باشد صفتش آب مورد در عرق بید مشک صندل
کافور یکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطی که صداع بارده را
ونسیان را سودمند باشد صفتش جوزبوا درمنه ترکی قرنفل
مرزنگوش از هریک یکمثقال بسباسه چهار مثقال کوفته وبیخته
با آب مرزنگوش در بینی چکانند سعوطی که خنازیر را نافع باشد
صفتش بسباسه گاوزبان از هریک یکدرم زهره خارپشت
وکافور از هریک یکدانگ نیم زعفران نیم درم کندش دو درم
با سرکه وروغن گل در بینی چکانند سعوطی که همین خاصیت دارد

صفتش دار فلفل مامیران شیطرج از هر یک یک درم سکطرامشیع
تخم فنجنکشت از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند
سعوطی که فالج ولقوه را و شقیقه و جمیع امراض بارده رطب را
که در سر و چشم باشد سود دارد صفتش حضض و مر از هر یک ده درم
عدس و سعتر از هر یک پنج درم صمغ عربی و سداب و زهره کلنگ
جاوشیر و جند بیدستر و شونیز از هر یک سه درم نبات و زعفران
هر یک دو درم صبر و فرفیون از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
باب خالص قرصها سازند هر یک مقدار عدسی و در وقت
حاجت یکی از آن با آب مرزنگوش و روغن بنفشه بادام بسایند
در بینی چکانند سعوطی که صداع و رعاف را نافع باشد صفت آن کاغذ
سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو و درسه که اندا حشه
و پوست انار ریشه کندر مرصاف صدف سوخته شادنج
مغسول کافور از هر یک جزوی با آب بادرنج در بینی چکانند سنون سورنجان
ضعف اسنان را نافع باشد صفت آن سورنجان قرنفل سعد کزمازج
پوست هلیله زرد صندل سرخ و سفید گل سرخ مساوی کوفته
دیگر

و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد صفتش
پوست هلیله زرد نمک هندی از هر یک پنج درم خرفه
پانزده درم دارچینی و سعد از هر یک سه درم شب یمانی
و سماق از هر یک دو درم عاقرقرحا هشت درم نوشادر فلفل دراز
آمله زعفران از هر یک یک درم گل لرسه مثقال قاقله و کبابه
از هر یک چهار درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که حافظ صحت اسنان است صفتش شاخ گوزن سوخته
کزمازج سعد سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یک درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندانرا از چرک پاک کند
صفتش نمک اندرانی جو سوخته زبد البحر کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که دندان متحرک را محکم کند و درد بنشاند صفتش
مازو شب یمانی آمله اقاقیا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند
دیگر که همین خاصیت دارد صفتش شب یمانی گلنار کزمازج
مساوی کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و در سایه خشک کرده دیگر باره
سنون سازند سنونی که نافع است جهة درد دندان که

سبب آن ورم لثه است صفت تخم حرفه شیر خشک سماق
عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا کافور ساوی کوفته و بیخته
بر لثه و دندان افشانند بعد ازان که گلاب و سرکه را ساعتی
در دهان نگاه داشته باشد سنونی که بیخ دندان را سخت کند
و خون باز دارد صفت شاخ گوزن سوخته نمک اندرانی سوخته
و پوست هلیله زرد گل سرخ از هر یک ده درم کلنار یکدرم
کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند سنونی که دندان را محکم کند
و خون رفتن ازان باز دارد و بوی دهن را نیز خوش کند صفت
هلیله بلیله آمله مقشر گل سرخ کلنار اقاقیا شب یمانی
قرص طباشیر عاقرقرحا ساوی کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد صفت شب یمانی
سوخته یکدرم نمک بریان کرده دو درم سماق سه درم کوفته
و بیخته استعمال نمایند سنون الای که درد دندان را نافع باشد و بوی
دهن خوش کند صفت اهل حوز السرو عاقرقرحا ساوی
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که ناسور بن دندان را

از هر یک چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که [illegible] باز
[illegible] از هر یک ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی
که زردی و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهن خوش کند
صفت کزمازج زرنبیل زبد البحر دار فلفل قاقله از هر یک دو درم
نمک بریان کرده ده درم جو سوخته هفت درم کوفته و بیخته
سنون سازند سنونی که خون رفتن از لثه باز دارد و بوی دهن
خوش کند صفت شب یمانی سه درم فودنه کوهی ده درم
[illegible] و بیخته سنون سازند سنونی که نافعست از جهت درد دندان
[illegible] آن رطوبت باشد صفت فلفل درمان بوره ارمنی یکدرم
[illegible] زرنبیل موزج از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال
[illegible] که لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفت
[illegible] از هر یک پنج درم کلنار کزمازج فوفل از هر یک
[illegible] اخوین کندر قرنفل نمک اندرانی مصطکی پودنه
[illegible] ن عود خام درمی کوفته و بیخته استعمال
[illegible] ت کند و خون رفتن باز دارد صفت

پوسته
[illegible]ت صفت سنون تخم خرفه کشنیز خشک سماق
سماق از هر یک چهار [illegible] بیخته
از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون از بیخ
دندان باز دارد صفت سنون کات هندی فوفل گلنار گل سرخ سماق دو درم
الاخوین مساوی کوفته و بیخته شب پاشامند و صباح بگلاب
آب سماق مضمضه کند سنونی که دندان سیاه شده را سفید کند
صفت سنون پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماما سه درم
سادج هندی دو درم مازوی سوخته هشت درم کوفته بیخته
بر دندان بمالند سنونی که لثه را محکم گرداند و نشف [illegible]
صفت سنون گلنار دو درم نوشادر دو درم میویزج سه درم
پودنه سوخته دو درم نمک بعسل سرشته و سوخته
و بیخته استعمال نمایند سنونی که دندانرا جلا دهد
و بوی دهن خوش کند صفت آن شب یمانی سوخته و
سوخته و نمک اندرانی و زبد البحر جو سوخته و چون [illegible]
از هر یک ده درم عاقرقرحا کبابه گل ارمنی [illegible]

از هر یک چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون باز
دارد از لثه و محکم سازد لثه را صفت آن گل ارمنی آمله از هر یک سه درم
عصاره لحیه التیس گل مختوم ابهل از هر یک یک درم دارچینی
یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که دندانرا سفید گرداند
و بوی دهان خوش کند صفت آن زبد البحر دو درم نمک بریان کرده
دو درم عود سوخته و سفال چینی و کزمازج و گلنار و عاقرقرحا
قرنفل و سادج و گل سرخ و سماق از هر یک یک درم زراوند
طویل حب الاس از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر دندان
مالند سنونی که چون در محل داروی انگشت مالیدن بر دهن و بیخ
دندان افشانند منع خوشش کند و اگر دهن جوشیده باشد
که استعمال نمایند بصلاح آورد صفت آن ذراوند حرج برگ
مورد کندر سعد گلنار بیخ سوسن دم الاخوین مازو مساوی
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که قلاع را نافع بود و بوی دهن
خوش کند و بیخ دندانرا محکم سازد صفت آن اشیاف مامیثا
طباشیر تخم گل لسان الحمل پوست هلیله زرد گلنار برگ زیتون

کزمازج شب یمانی مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون
که اکله و ناسور بن دندان را نافع بود و خون رفتن باز دارد صفت
مرتوشا درنج سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته
استعمال نمایند سنون که همین خاصیت دارد صفت انجی سوسن عاقرقرحا
از هر یک یک درم شب یمانی گلنار ماز و سماق از هر یک دو درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که دندان متحرک را محکم سازد
صفت ان مرتوتیا شب یمانی نشاسته گل سرخ سماق پوست انار شیرین
استخوان هلیله زرد سک گلنار ماز و کزمازج مساوی کوفته
بیخته بر بیخ دندان افشانند سنون که اکله دهن و لثه را نافع باشد
صفت ان پوست انار شیرین سی درم ماز و گلنار شب یمانی کاغذ
سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک هندی
و نوشادر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و گلولها
سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج دیگر باره بکوبند
و استعمال نمایند سنون نافع نسخه دیگر که استرخا و ورم لثه را نافع
باشد و دندان را از چرک پاک کند صفت ان پوست انار دو درم گلنار

رزده

رزده چوبه سماق شب یمانی مازو از هر یک یک درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند باب الشین شراب افسنتین معده را از اخلاط فاسد
پاک کند صفت ان افسنتین رومی پنج درم ورق گل سرخ مسیت پنج درم
زبد سعید دو درم در دو من آب بجوشانند و بپالایند
و یکمن قند اضافه کرده بقوام آورند شراب افسنتین نوع دیگر که معده
ضعیف و جگر سرد و سپرز را سود دارد و طبع را نرم گرداند
و بادهای رودها دفع کند صفت ان افسنتین پنجاه درم سلیخه
بیست درم تخم کرفس سی درم در دو من آب بپزند تا نیمه آید
و یکمن قند شربت کنند شراب افسنتین نسخه دیگر افسنتین پنجاه درم انسون
و گل سرخ و سلیخه اسارون از هر یک ده درم مصطکی و سنبل از
هر یک هشت درم در دو من آب بجوشانند بغیر از مصطکی و صاف
کنند و با یکمن قند بقوام آورند و بعد از ان مصطکی را اصلایه
کرده با آن ممزوج سازند شراب ... که معده را از صفرا پاک کند
و سوء المزاج گرم را زایل کند صفت ان ورق گل سرخ هشت درم
شاهتره و افسنتین از هر یک پنج درم آلوی سیاه بیست عدد

تمر هندی بیست درم مویز منقی بیست دانه در ده من آب بریزند
تا بنصف آید صاف سازند و یک من شکر سفید در ان حل کنند
و بقوام آورند شربتی دو درم با یک درم صبر سقوطری شراب
سرفه کهنه را بغایت مفید باشد و سینه را از اخلاط پاک کند
و ربو و ضیق النفس را نافع باشد صفت آن انجیر سفید شش وقیه
پیاز عنصل یک وقیه مویز منقی دو وقیه افسنتین نیم وقیه در قدری
خل الخمر و آب خیسانند سه روز بعد از ان بجوشانند و صاف گردد
دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند شراب فواکه معده را
قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوی گرداند صفت آن آب به
آب سیب آب انار ترش و شیرین آب امرود از هر یک یک جزو
و آب زرشک و آب سماق و آب غوره و آب نعناع از هر یک
نیم جزو بجوشانند تا بثلثی آید و آنقدر قند که کفاف باشد
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شراب انار ترش
قی باز دارد و صفرا دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن
آب انار ترش دو من نعناع تازه عود خام آمله مصطکی از

هر

هر یک دو درم پوست بیرون پسته پنج درم کوفته در آب جوشانند
سوای مصطکی تا به ثلث آید صاف کرده با یکمن قند بقوام آورند
و بعد از ان مصطکی اضافه نمایند شراب نعناع فواق می‌نشاند
و قی باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار ترش و شیرین
با هم بکوبد با تخم وی و آب آن بگیرد و دو من قند یکمن و کوفته
آب نعناع اضافه کند و بقوام آورد شراب آلو مسهل صفرا
بود و بلغم دفع کند صفت آن آلوی سیاه صد عدد تمر هندی
چهار ریک ترید سفید و بنفشه از هر یک بیست درم در کیسه کنند
و در پنج من آب بجوشانند تا یکمن آید و نیک بمالد و بپالایند
و یکمن ترنجبین صاف کرده اضافه نمایند و شربت بپزند
و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در ان حل کنند شراب [illegible]
منع نزلات کند در ریش سینه و شش را نافع باشد و بیخوابی
زایل کند صفت آن خشخاش بزرگ با پوست صد عدد نیم کوفته
کند و با دو من و نیم آب باران بپزد و بپالاید و با یکمن قند
شربت پزد و اگر از خشخاش بی پوست پزد بیست مثقال تخم

خشخاش بکوبد و بپزد و با یکمن قند بقوام آورد لیکن اولی
آن بود که با پوست پزد شراب سیب معده و دل را قوت دهد
و قی را ساکن گرداند و اسهال صفراوی باز دارد صفت آن
سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کرده در هاون سنگین با
چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و بجوشانند تا به نیمه آید و یکمن قند
اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید شراب به دل را قوت دهد
و معده را قوی گرداند و اشتها طعام آورد و طبع ببندد
و قی و نسیان باز دارد صفت آن به ترش و شیرین اندرون
آن پاک کنند و آب آن بگیرد و در سر یکمن آب یکمن قند اضافه کنند
و بقوام آورد شراب ریباس اسهال صفراوی باز دارد و نافع
باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد
صفت شراب ریباس را سر و دنباله بکارد چوبین ببرد و در هاون
سنگین با چوبین بکوبد و آب آن بگیرد و صاف کرده بجوشاند
تا ثلثی آید و زمانی بگذارد و دیگر باره بپالاید و هر من آب
یکمن قند اضافه کند و بقوام آورد شراب [illegible] صفرا بشکند و قی

باز دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع
باشد صفت آن آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکمن شربت بزند
چنانکه رسم است شراب لیمو معده را قوت دهد و اشتها آورد
و صفرا بشکند و هاضمه قوی گرداند و دفع خمار کند صفت آن
مانند حماض است شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد
و درد سر که از گرمی باشد ساکن گرداند صفت آن آب نارنج
یکمن بجوشاند تا نصفی آید و کف زد آن بردارد و با دو من قند
شربت بپزد شراب زوفا سرفه کهنه را و درد سینه را سود دارد
صفت آن عناب سپستان انجیر مویز منقی تخم خطمی هفت مثقال
زوفا ده درم مجموع در چهار رطل آب بجوشانند تا یکی آید [illegible]
هفده درم خمیر بنفشه در آن مالیده با یکدرم روغن بادام بدهد
سه دفعه بخورند شراب غوره تب گرم را سود دارد و خمار را دفع کند
و تشنگی بنشاند صفت آن آب غوره بگیرد و بجوشاند تا بضعفی آید
و کف آن بگیرد و زمانی بگذارد و دیگر باره نیکو بپالاید و هر من
آب یکمن قند اضافه کند و شربت بپزد شراب لیمو معده را قوت دهد

و بوی دهن خوش کند و هاضمه قوی گرداند صفت آن عود هندی و
آمله مقشر از هر یک ده درم سنبل قرنفل مصطکی جوزبوا از هر یک
دو درم مجموع نیم کوفته در کیسهٔ کتان بریزند و در سه چهار
گلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند تا قوت آن بگلاب دهد
و یکمن قند بقوام آورد و آن گلاب بر سر آن ریزد و دیگر بار
بقوام آورد و فرو گیرد و نیم درم مسک خالص در آن حل کنند
شراب حب الآس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن
حب الآس و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرظ و طراثیث
از هر یکی ده درم آب به و آب سیب و آب انار از هر یک یکمن
داروها را کوفته و بیخته درین آب بجوشانند تا بثلثی آید و پالایند
و دیگر بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس دیگر که اسهال باز دارد را
نافع باشد صفت آن حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک
مهرا شود و بپالایند و بهر دو جزو از آن یک جزو قند سفید اضافه
نمایند و اگر قدری طباشیر سفید در آن حل کنند بهتر باشد
شراب [illegible] طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و تشنه بنشاند

وسوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی
بنشاند صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته و رق گل سرخ از هر یک
ده درم تخم کشوث چهل درم نیلوفر و گاوزبان از هر یک
ده درم افتیمون در کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهرا شود
و صاف کرده با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند
و ده مثقال ریوند چینی سائیده در آن حل کنند شراب زوفا
سرفهٔ بلغمی را نافع بود و سینه و شش را از اخلاط پاک کند
و ربو و ضیق النفس را سود دارد صفت آن عناب سی دانه
سپستان پنجاه دانه انجیر سفید بیست دانه بنفشه چهار درم
پرسیاوشان هشت درم تخم خطمی و تخم خبازی از هر یک
پنج درم اصل السوس و زوفا از هر یک هشت درم بجوشانند
و بپالایند و قند یکمن اضافه کنند و بعضی پنج درم فراسیون
داخل کرده اند شراب تمر هندی طبع را نرم کند و صفرا بنشاند
و معده را قوت دهد و قی باز دارد صفت آن تمر هندی
یکمن بجوشانند و شیره گرفته بپالایند و یکمن قند اضافه نمایند

وبقوام آورد شراب صندل دل را قوت دهد وخفقان گرم و
جگر گرم را نافع باشد صفت آن صندل سفید سائیده بیست مثقال
در گلاب جنبانند یکشبانروز روز دیگر اندک جوشی بدهند
وشیرهٔ آن بگیرند و یکمن قند شربت پزند شراب انجیر گرده
ومثانه را نافع بود ومنی بیفزاید وباه را قوت دهد ودرد پشت را
زایل کند صفت آن انجیر خشک ده من در پنجمن آب پزند تا یکمن و نیم
آید و باز یکمن نخود سفید در پنجمن آب پزند تا یکمن و نیم آید هر دو را
بدست بمالند وصاف کرده یکمن و نیم عسل بر سر آن کنند
و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک کدام
زعفران نیم درم در کیسه بسته در اندرون آن اندازند و بجوشانند
تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه ذات الجنب و ذات الریه
و تب و سرفه و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع باشد
و بول براند و سینه را نرم کند صفت آن بنفشه تازه یکچهاریک
بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند شربت پزد و اگر بنفشه تازه
نباشد کوفته بنفشه خشک کنند و باید که بسیار بجوشانند شراب نیلوفر

صداع

صداع حار و تبهای صفراوی و سرفه و ذات الجنب و ذات
الریه را نافع باشد صفت آن گل نیلوفر کوفته و اگر تازه بود
یکچهاریک بجوشانند و با یکمن قند شربت پزند شراب عناب
ماشرا و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه و غلبهٔ خون را
نافع باشد صفت آن عناب جرجانی یکچهاریک در ده من آب
بپزد و بدست بمالد و بپالاید بمبالغه و با یکمن قند شربت پزد
شراب گاوزبان دل را قوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت
نافع بود و خفقان زایل کند صفت آن آب گاوزبان تازه
یکمن با یکمن قند بجوشانند و کفی که دارد و بقوام آورد و بیست مثقال
گلاب در آن ریزد و فرو گیرد و اگر گاوزبان تازه نباشد
یکچهاریک خشک کنند شراب بادرنجبویه دل را قوت دهد و خفقان
سرد را نافع بود و توحش سوداوی را باطل کند صفت آن
بادرنجبویهٔ تازه بستانند و آب بگیرند یکمن و با یکمن قند بپزد و اگر تازه
نباید پنجاه مثقال خشک کنند شراب بلیله وجاع مفاصل و تبهای
گرم را نافع بود و طبع را نرم کند صفت آن بلیله زرد صد عدد

نیلوفر کند و در ظرفی کند و آب بر سر آن ریزد و سه روز
در آفتاب بنهد و آب اول و دوم را با هم بیامیزد
صد و پنجاه مثقال ترنجبین در آن حل کند و صاف سازد و بر سر
آتش نهد و بقوام آورد و فرو گیرد و یک مثقال سقمونیای سوده
در آن حل کند شرابی که فواق را بنشاند خاصه آنچه پس از طعام
آید صفت آن زیره کرمانی انیسون فودنه کندر از هر یک ده درم
در دو من آب بجوشاند تا نصفی آید و بپالاید و جرعه جرعه
می‌نوشد شراب هلیون که ریگ از گرده و مثانه پاک کند صفت آن
هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشاند و بپالاید و با یک من قند ترتیب
سازد شراب بزوری معده و جگر را نافع بود و بادها دفع کند و
مفاصل را سود دارد صفت آن پوست بیخ کاسنی سی درم تخم
کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه
تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم کشوث در انبان
بسته پنج درم بجوشاند و بپالاید و با یک من و نیم قند بپزد شراب دیگر مکرر
مسهل صفرا بود و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت آن ورق

گل سرخ تازه یک من در نه من آب بجوشاند تا به هفت من آید
و بپالاید و یک من دیگر برگ گل در آن آب بجوشاند و دیگر بپالاید
و چند نوبت همچنین کند تا یک من آید پس صاف کرده با یک من
قند شربت پزد شربتی سه درم تا ده درم در سکنجبین و آب یخ
شراب توت درد گلو و خناق را نافع باشد صفت آن آب توت سیاه
بگیرد و صاف کند و بجوشاند تا نیمه آید و بهر پنج رطل از آن
یک رطل قند صاف اضافه کند و بقوام آورد شراب انار
جگر را قوت دهد و تشنگی ببرد صفت آن آب انار شیرین بگیرد
و بجوشاند تا نیمه آید و بهر یک من از آن آب یک من قند اضافه کنند
و بقوام آورد شراب عنبر درد معده و اعصاب را سود دارد
و خفقان بارد را زایل کند صفت عسل دو من که سیصد و شصت مثقال
باشد در دو من آب و اگر بجای آب عرق گاوزبان و عرق بیدمشک
و گلاب و عرق بادرنجبویه بکار دارند بهتر باشد و اگر آن
عسل و هشت داشته باشند بدل آن قند کنند و بجوشانند
و کف بردارد و بقوام آورد و عنبر و زعفران سوده از هر یک

یکمثقال اضافه کند شربتی پنجدرم شراب ثبت معده را قوت دهد
و امراض بلغمی را نافع باشد و پیران را موافق بود صفت عسل یکمن
قند سفید یکمن در دو من آب بجوشانند و بقوام آورد و یکمثقال
مشک و یکدرم زعفران سوده اضافه کند شربتی سه درم
شرابی که نافعست از جهة اسهال دموی و ضعف معده
صفت آن رب به شیرین سی مثقال گلنار عذبه آمله صندل سفید
حب الآس از هریک یکمثقال گلاب و قند از هریک بیست مثقال
بطریق معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل و احشا را قوت
دهد و سده بگشاید و استسقا و جمیع امراض بارده را نافع باشد
و باه را زیاده کند و نشاط آورد صفت آن ابریشم شصت مثقال
در آب آهنگران یکشب تا روز بخیسانند ابریشم مقرض گل گاوزبان
بادرنجبویه کهربا مروارید از هریک دو مثقال شب صندل
سفید مصطکی عود از هریک یکمثقال گاوزبان ده مثقال
مشک یکمثقال عنبر اشهب دو مثقال نبات ده استار عسل شش من
گاوزبان و بادرنجبویه را با آب قلیل جوشانیده داخل کنند شراب ابریشم

نخ

نسخه دیگر ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران خیسانند
سه شبانه روز و در دیگ سنگ بجوشانند تا به نیمه آید
صاف نموده و خولنجان و وج و مصطکی از هریک سه درم
زعفران یکدرم صلایه کرده اضافه نمایند و با یکمن قند
شربت پزند شربتی چهار درم شراب اسطوخودوس ترکیب بسته
اسطوخودوس ده مثقال عود فاوانیا پنج مثقال رازیانه
تخم کرفس تخم خطمی لسان الثور هریک پنجمثقال سپستان شصت دانه
مویز طایفی منقی بیست مثقال بنفشه هفت مثقال گل سرخ
هفت مثقال پرسیاوشان ده مثقال اصل السوس پنجمثقال
مجموع را جوشانیده و صاف کرده با یکمن قند بقوام آورند
شربتی ده مثقال شراب اسطوخودوس که صرع و مالیخولیا و صداع بارد
و جمیع امراض دماغی را که سبب آن برودت باشد سود دارد
صفت آن اسطوخودوس پرسیاوشان عود صلیب از هریک
پنجدرم اصل السوس گاوزبان رازیانه پوست بیخ کرفس تخم
خطمی بنفشه گل سرخ از هریک سه درم مویز منقی سپستان

از هر یک پانزده دانه جوشانیده صاف کرده با نکمین قند بر سر کنند
شراب مفاصل پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست مثقال
تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه ماهیزهره سورنجان از هر یک
ده درم پوست بیخ کرفس بیست درم قند سفید بکمین بطریق معهود
شربت پزد شراب اصل مواد غلیظه را نضج دهد و سده ها گشاید
و بادها بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده جگر
و معده را نافع بود صفت آن پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر
پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی از هر یک سی درم را آب
تخم کرفس تخم کاسنی از هر یک بیست درم انجیر زرد بیست عدد
مویز منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل اسارون سلیخه از هر یک دو درم
قند سفید بکمین شربت پزد چنانکه رسمست شراب کزر درد پشت را
نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن بیخ کزر شسته پاکیزه کردن
سر و بن آنرا بیندازد و درم درم کند و در دیگ سنگ اندازد
و آب بر بالای آن ریزد و سر دیگ بگل و با خمیر محکم کند چنانکه
بخار ازوی بیرون نرود و بآتش آهسته بپزد و بگذارد تا سرد شود

پس

پس سر دیگ بگشاید و نیک آنرا بمالد و آب از وی بستاند
و صاف کند و هم سنگ آن عسل در دیگ ریزد و سنبل و خولنجان
و قرنفل و دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع را
نیمکوفته در کیسه کند و در همان دیگ اندازد و هر لحظه بدست
میمالد و میجوشاند تا بقوام آید شراب انجبار اسهال و موی و نفث
دم و سیلان طمث را نافع بود و معده و جگر گرم را
قوت دهد صفتش صندل سرخ و سفید سائیده از هر یک
پنج مثقال انجبار هفت مثقال اقاقیا ده مثقال قند سفید بمین
بطریق معهود شربت پزد شراب حب الآس آمله مقشر کمثقال
حب الآس ده مثقال پوست بیخ انجبار گلنار گل سرخ
تخم گل حماض ریبی از هر یک دو درم رب به شیرین گلاب
از هر یک بیست مثقال شراب صندل سی مثقال بدستور
معهود شربت پزند شرابی که از جهت مالیخولیا و امراض صفراوی
نافعست صفتش تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هر یک
ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه هشت درم و نیم ابریشم دو درم

اصل السوس پنجدرم رازیانه بسفایج فستقی از هریک سه درم ونیم
وشش مثقال ادویه کلاب ده ومقابل ادویه آب سیب شیرین
بجوشانند تا ثلثی ماند وبا یکمن قند شربت پزد شراب قند
بلغم دفع کند وسرد مزاج را نافع باشد صفت آن زنجبیل دارچینی
از هریک پنجدرم هیل قاقله کبابه از هریک دو درم قرنفل
یکدرم مجموع نیمکوفته در هفت رطل آب بجوشانند تا پنج رطل ماند
وبپالاید وبا یکمن قند بقوام آورد ونیمدرم زعفران سائیده
اضافه نماید شراب عسل معده وجگر را گرم کند صفت سنبل مصطکی
دارچینی قاقله عود هندی هیل جوزبوا از هریک یکدرم قرنفل
نیمدرم مجموع نیمکوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید
وبپالاید وبا پنج رطل عسل بجوشانند تا بقوام آید شراب خمار
در دفع خمار بی نظیر است صفت آلوی سیاه تمرهندی بیدانه
از هریک یک رطل عناب پنجاه دانه در شش رطل آب بجوشانند
تا بدو رطل آید وبپالاید وآب انار شیرین وترش وآب سیب و
آب لیمو از هریک نیم رطل اضافه نمایند وبا یک رطل قند بقوام

آورد شراب شبو شرعت انزال را مفید است صفت آن
آب انگور خام شش رطل سماق مازو گلنار گل سرخ کشنیز خشک
کندر صعتر سعد از هریک ده درم زعفران مرشیا مالی
از هریک یکدرم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تا بثلث
آید صاف کرده استعمال نماید شراب دارو بخت مقوی
اعضا رئیسه است ونسیان وامراض بلغمی وسوداوی را
نافعست وباه را قوت دهد وپیران را نافع باشد
صفت آن آب انگور صد من به شیرین سه من سیب اصفهانی
دو من کلاب نیمن آب به خالص ده من دارچینی قرنفل
مصطکی سنبل الطیب کبابه چینی جوزبوا خولنجان از هریک
پنجدرم عود خام بسباسه دواله از هریک سه درم زعفران
دو مثقال مشک نیم مثقال عنبر یکمثقال سیب وبه را در آب
انگور بجوشانند تا مهرا شود بعد ازان بکشند وصاف کنند
ومشک وزعفران وعنبر را در کلاب حل کرده اضافه
نماید وادویه را نیم کوفته در کیسه کند ودر محل جوش بندند.

کیسه را در دیک اندازد و زمان زمان بست می مالند تا شیره
باز دهد و چون شیرهٔ انکور را در خم ریزد کیسه را نیز در خم
اندازد و بعد از شش ماه استعمال نماید شراب خبث الحدید معده را
قوت دهد و هاضمه قوی کند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را
نافع بود صفت آن تخم کرفس رازیانه انیسون زیره کرمانی
نانخواه صعتر الجندان کاشم کرویا کشیز خشک فلفل دار
فلفل کندر دارچینی سنبل خرفه جوز بوا تخم جرجیر تخم پیاز
سعد زنجبیل از هر یک یک مثقال خبث الحدید ده مثقال در
زیم آهنی
شش مثقال ادویه بشراب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند
شربتی هر روز نیم درم شراب کشوث کشوث تخم کشوث بادیان
انیسون خبازی عناب سپستان ریوند چینی اصل
السوس بیخ انکور بیخ کاسنی بیخ بادیان تخم
خربزه تخم خیار تخم کرفس تخم کاسنی سرخس شربتی
بیست مثقال با شیرهٔ تخم خیار و کاسنی از هر یک یک مثقال
شرابی که معده و دل را قوت دهد و امراض بلغمی و سوداوی را

نافع باشد

نافع باشد صفت آن آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل
در دیک سنکین کنند و قرنفل یک درم و نیم عود هندی دو درم
کاوزبان و بادرنجبویه و کل سرخ از هر یک سه درم
کوفته و بیخته در کیسه بسته در دیک اندازند و با آب سیب و به
بجوشانند تا به نیمه آید و در خم ریزد و شراب ریحانی
دو من بر بالای آن ریزد و قند سفید یک رطل و نیم اضافه نماید
و سر خم بکیرد و بیست روز در آفتاب بکذارد و بعد از آن
صاف نموده استعمال نماید شراب اطریلیل بهلاق و غلط احمان
آخر مدرا نافع و بی نظیر است صفت آن شادنج عدسی مغسول
ده درم مس سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا و مرصافی
از هر یک دو درم بسد مروارید ناسفته ساذج هندی
از هر یک چهار درم دم الاخوین و زعفران از هر یک یک درم
صلایه کرده شیاف سازند شیاف احمر ابسل و ظفره و سلاق
و بیاض را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول ده درم صمغ
عربی پنج درم مس سوخته زاج پنج درم افیون صبر سقوطری

وتحذیر کند صفت ان سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی
پنج درم افیون و کثیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند
و شیاف سازند شیاف ابیض ابرخی ابتداء رمد را نافع بود صفت
سفیداب ارزیز هشت درم انزروت مربی بشیر خر کثیرا
از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ بسرشند و شیاف
سازند شیاف گل سرخ نسخه محمد ذکریا رمد را نافع است و حدت
آن کمتر از حدت ابیض است و بهترین و سبکترین شیاف
وردیست صفت ان گل سرخ چهار مثقال زعفران و سفیداب
ارزیز از هر یک دو مثقال افیون و صمغ عربی از هر یک یک مثقال
بدستور مذکور شیاف سازند شیاف بریوار مد را در روز
بصلاح آورد نسخه شیاف ابیناثا انزروت مربی
از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون نیم درم کثیرا
یکدرم کوفته و بیخته با آب باران سرشته شیاف سازند
و با سفیده تخم مرغ در چشم کشند شیاف بریو نوعی دیگر که سخت
نافع بود برگ گل تازه پانزده درم زعفران هشت درم افیون

از هر یک نیم درم زنگار دو درم و نیم زعفران و مر از هر یک
دانگی کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف اخضر جرب و
سبل و بیاض را نافع بود صفتش زنگار سه درم اقلیمیای نقره
اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک دو درم صمغ و اشق را
در آب سذاب حل کند و داروهای دیگر را نیکو کوفته و بیخته
بدان بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض کهنه و جرب
و سلاق و سبل و شعیره ایدرا نافع است صفت ان زنگار شش درم
صمغ عربی و اشق از هر یک چهار درم اقلیمیای طلا و افیون
از هر یک دو درم بارزد یکدرم کوفته و بیخته با آب سذاب
بسرشند و شیاف سازند شیاف طمانقلیون کهنه و جرب و سلاق
و استرخاء جفن و رنج سبل را نافع بود صفت ان شادنج مغسول
دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار سوخته
از هر یک پنج درم مس سوخته چهار درم افیون زعفران
از هر یک یکدرم با آب ازیانه بسرشند و شیاف سازند
شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع بود و در صعب ترشانند

دکن

وسنبل از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی هشت درم بآب باران
بسرشند و شیاف سازند و شیر زنان با سفیده تخم مرغ
بسایند و اندر سرشند و در یک روز سه بار بکار دارند
دیگر حاجت نبود شرب [illegible] نسخه دیگر مدر را نافع بود و برخی برد
و آماس نشاند و درد در تسکین کند صفت آن اقلیمیای نقره و روزی
سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا اقاقیا و صمغ عربی از هر یک
دو مثقال افیون و زعفران هر یک یک مثقال کوفته و بیخته
بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر طرفه
و لحم زاید را نافع بود صفت آن شادنج معسول دوازده درم
صمغ عربی و مس سوخته از هر یک شش درم قلقطار سوخته
و زنگار از هر یک دو درم بآب ارزیانه سرشته شیاف سازند
شیاف [illegible] با دمها را پراکنده کند و آماس ملتحمه را بنشاند
صفت آن مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا و صمغ عربی
و سنبل و زعفران از هر یک یک درم بآب باران شیاف سازند
شیاف [illegible] که نافع است با دمها را که در چشم و جفن باشد کشیدن

و طلا کردن صفت آن مس سوخته افیون از هر یک یک درم و نیم
زعفران شیاف مامیثا از هر یک نیم درم مروارید ناسفته
و بسد از هر یک یک درم اقاقیا پنج درم کوفته و بیخته بآب باران
شیاف سازند شیاف ابیض کندری قرحه و ماده غلیظه را نافع باشد
صفت آن اسفیداب ارزیز هشت درم افیون و انزروت مربی
و کثیرا از هر یک یک درم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم بآب
باران شیاف سازند شیاف [illegible] قرحه و موسرج را نافع بود
و حرارت بنشاند و جفن را پر سازد صفت آن اقلیمیای طلا اسفیداب
ارزیز مس سوخته سرمه اصفهانی صمغ عربی کثیرا اسرب سوخته
از هر یک هشت درم مروارید افیون از هر یک یک درم بآب باران
شیاف سازند شیاف [illegible] دیگر منفعت این قریب منفعت اوست
صفت آن اسرب سوخته سرمه اصفهانی توتیای مس محرق کثیرا
صمغ عربی از هر یک شش درم افیون نیم درم کوفته و بیخته
شیاف سازند و بعضی اقلیمیای طلا و اسفیداب ارزیز از هر یک
شش درم و کندر چهار درم اضافه کنند شیاف [illegible] قرحه و شیره زاید

نافع بود و گوشت برویاند صفت آن اشق انزروت از هر یک پنج درم
کندر دو درم زعفران دو درم اشق را در لعاب حلبه حل کنند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان بسرشد و شیاف سازد
شیافی که ابتدای آب را نافع بود صفت آن عروق سفید بلوقیه
فلفل نیم دوقیه اشق یکدرم باب ترف شیاف سازد
شیاف دوسالیه (?) جرب و ظفره و تشاره و ابتدای نزول را نافع باشد
صفت آن اقلیمیای نقره و طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم
کافور و مشک از هر یک دانگی صلایه کرده باب باران شیاف سازند
شیاف اصفر از جهة ابتدای نزول آب و تاریکی چشم را نافع است
صفت آن انزروت مربی شیاف مامیثا از هر یک هشت درم
بوره ارمنی فلفل ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ زرد دو درم
زعفران یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف ابیض [illegible]
هلیله زرد توتیای هندی از هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی
از هر یک سه درم زعفران یکدرم باب رازیانه شیاف
سازند شیاف [illegible] جرب و خارش و سوزش و حجوظ را نافع بود

سماق

صفت آن سماق سی مثقال با آب باران بپزند و بپالایند و باز
بجوشانند تا غلیظ شود و بگذارد تا سرد شود پس دو درم
سفیداب ارزیز با آن بسرشد و شیاف سازد بعضی اطبا سماق را
بجوشانند تا غلیظ میشود و گرد سماق با آن سرشته شیاف
میسازند شیاف [illegible] خون سبل رقیق دارد صفت آن زرد چوبه
شادنج مغسول صبر سقوطری شیاف مامیثا مساوی کوفته
و بیخته باب باران شیاف سازد شیاف [illegible] صعوبت درد
چشم را در حال بنشاند و درد ساکن کند صفت آن ورق گل سرخ
پانزده درم زعفران هشت درم افیون یکدرم سنبل الطیب
دو درم صمغ عربی یکدرم باب باران شیاف سازد
شیاف اسود منجح دیگر رمد و حرقت عین و دمعه و سبل را که با او
حرارت باشد نافع بود صفت آن اقلیمیای طلا سفیداب ارزیز
صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم مرو مس سوخته سنبل الطیب
نشاسته از هر یک یکدرم و نیم اقاقیا شسته چهار درم
کوفته و بیخته بعضی را آب سوده کرده باب عنب الثعلب شیاف سازند

شیاف اصطفطیقان استرخاء جفن و تاریکی بصر و ابتداء آب را
نافع بوده باشد صفت آن اقلیمیا طلا فلفل سیاه افیون
از هر یک چهار درم صمغ عربی شیاف مامیثا از هر یک نیم درم
انزروت و نمک هندی و روج زرد از هر یک یکدرم
بوره ارمنی دوازده درم با آب رازیانه شیاف سازند
چنانکه رسمست شیاف آیم که نافعست جرب و غلظ جفن را و سبل کهنه
را که با آن حرارت و حمره باشد و بیاض و تاریکی چشم را
زایل کند صفت آن افیون اقلیمیا نقره از هر یک یکدرم سفیداب
ارزیز صمغ عربی زنگار اشق از هر یک دو درم آبی که اشق را
دران حل کرده باشد شیاف سازد شیاف [illegible] که نافعست ابتداء
رمد و درد ساکن کند و خواب آورد صفت آن شیاف مامیثا
هفت درم زعفران افیون حضض صمغ عربی از هر یک دو درم
کتیرا انزروت از هر یک چهار درم جند بیدستر یکدرم
کوفته و بیخته شیاف سازد شیاف [illegible] که نافعست قرحه خارجیه را
و چشم را خشک سازد و گوشت برویاند صفت آن سفیداب ارزیز

دو درم

دو درم کندر و انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم کافور
دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف زنگار که جرب
و باد های سبل را نافع باشد صفت آن صمغ عربی سفیداب ارزیز
زنگار مساوی با آب سذاب شیاف سازد شیاف غوره
جرب و حکه و کمنه را نافع بود صفت آن زنجبیل نخود درم هلیله زرد
صمغ عربی توتیا مغسول از هر یک ده درم حضض مکی چهار درم
زرده چوبه و زعفران از هر یک دو درم با آب غوره شیاف
سازد شیاف [illegible] صبر کندر گلنار انزروت دم الاخوین مر
شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی و نیم با گلاب شیاف
سازد و سوراخ را از چرک پاک کند و در انجا چکاند شیاف وردی
قرحه و سمنه و بثره و مورسرج و سوقرینه و عفنه و کمنه المده و رمد
کهنه را نافع باشد صفت آن برگ گل سرخ تازه هشتاد و دو مثقال
اقلیمیا نقره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست و چهار مثقال
زعفران شش مثقال افیون و مر از هر یک سه مثقال زنگار توبال
نحاس و سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرصافی چهار مثقال

کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند شیاف دمار رمد سودای را
نافع باشد صفت آن سفیداب ارزیز اقلیمیا از هر یک دو درم
افیون نشاسته از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم بطرتق
معهود شیاف سازند شیاف انار بنسخه دیگر اقلیمیا طلا توتیا
سرمه سفیداب ارزیز روی سوخته کندر از هر یک ده درم
دم الاخوین افیون از هر یک یکدرم انزروت یکدرم و نیم
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه و بثور را نافع باشد
صفت آن اشق انزروت از هر یک پنجدرم کندر ده درم
زعفران ده درم بلعاب حلبه شیاف سازند شیاف قلقند
از برای طرفه نافع است صفتش روی سوخته پنجدرم زنگار
دو درم نوشادر قلقند بوره ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ
پنجدرم بسرکه سرشته یک هفته بگذارد پس شیاف سازد و استعمال
نماید شیاف طرفه را نافع بود صفتش کندر مر زعفران از هر یک
یکدرم زرنیخ سرخ نیمدرم شیاف سازد و با آب کشنیز تازه
در چشم کشد شیاف مرارات انتشار و ابتدای نزول را نافع است

زهره کلنک

صفت آن زهره کلنک زهره شبوط زهره بز کوهی زهره باز
زهره عقاب زهره کبک مجموع خشک کرده ده درم
شحم حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یکدرم با آب ازیانه شیاف
سازند شیاف مرارات ضعف بصر و ابتدای نزول آب را نافع باشد
صفت آن زهره باشق زهره خروس زهره عقاب زهره شبوط
زهره روباه جمله خشک کرده مساوی با آب ازیانه شیاف سازد
شیاف مرارات دیگر زهره کلنگ زهره کبک زهره کرکس زهره بز کوهی
زهره خرگور زهره کبوتر زهره شیر زهره لک لک زهره
خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره خروس زهره ماهی
از هر یک خشک کرده یکدرم سکبینج فرفیون شحم حنظل از هر یک
یکدرم سکبینج را با آب ازیانه حل کرده داروهای دیگر را کوفته
و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند شیاف که قایم مقام مرارات است
صفت آن زهره بز کوهی در ظرفی مسین خشک کرده ده درم
شحم حنظل نیمدرم سکبینج دو درم فرفیون و نوشادر از هر یک یکدرم
با آب سذاب با آب ازیانه شیاف سازد شیاف علاج جرب و حکه را

و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و ظفره و جرب را نافع باشد صفت ان
توتیای مغسول شش درم مامیران چینی و شیاف مامیثا از هر یک
پنج درم دار فلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد
ساذج هندی از هر یک سه درم زعفران دو درم کثیرا
صمغ عربی از هر یک دو مثقال با آب غوره پرورده شیاف سازند
شیاف علایی نوعی دیگر صفت ان صمغ عربی دو مثقال دار فلفل نیم مثقال
پوست هلیله زرد یکمثقال کثیرا دو مثقال زرده چوبه دو مثقال و نیم
نشاسته یکمثقال توتیا دو مثقال و نیم اسفیداج یکمثقال زنجبیل نیم
مثقال نطرون دانکی و نیم جمله را کوفته و بیخته با آب ترش ترنج
یا آب سماق یا آب غوره خمیر کنند سه نوبت و خشک کنند
و هم بدین آبها بسرشند و شیاف سازند شیاف جلا خیالات
و ابتدای آب را نافع باشد صفت ان حلیتث خربق سفید از
هر یک ده درم سکبینج سه درم بعسل بسرشند و شیاف سازند
شیاف دیناریون دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع بود و چشم را جلا دهد
صفت ان اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا و

م

مر از هر یک پنج درم مروارید ناسفته بسد دم الاخوین
از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ نبات اقاقیا از هر یک پنج درم
افیون هشت درم زعفران نشاسته روی سوخته از هر یک
ده درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که سبل و جرب و لحم
زاید را نافع باشد صفتش ساذج هندی شش درم صمغ عربی
پنج درم زنگار سه درم مس محرق و قلقطار سوخته از هر یک دو درم
افیون و مر از هر یک یکدرم زعفران نیم درم با آب سداب
شیاف سازند شیافی که همین خاصیت دارد صفت ان زنگار سه درم
سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره صمغ عربی اشق از هر یک دو درم
اشق را با آب سداب حل کرده داروهای دیگر را کوفته و بیخته
بسرشند و شیاف سازند شیافی که بثره و قرحه را سود دارد
و نشان قرحه را ببرد صفتش شاخ گوزن سوخته شسته سرب
سوخته از هر یک چهار درم توبال مس شسته شادنج مغسول
ده درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند
چنانکه رسمست و در چشم کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید و بلغم و

وصفرا بگشند و درد پشت را نافع باشد صفت آن سکبینج مقل جاوشیر
اشق نمک هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد حب النیل
مساوی صمغها را با آب سذاب حل کنند و داروها را کوفته
بیخته بآن بسرشند و شیاف سازند هر یک دو درم شیاف دیگر
که درد پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سده و بلغم بود
نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل بوره ارمنی اشق سنبل ریحان
شقاقل شحم حنظل تخم کرفس رازیانه افتیمون نمک هندی انزروت
جند بیدستر زرنباد قسط ماهی زهره سذاب خشک سعد مساوی
کوفته و بیخته با آب سذاب تازه بسرشند و شیاف سازند شیاف
دیگر که درد پشت و اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع باشد صفت آن
سکبینج جاوشیر مقل بازرد شحم حنظل بید انجیر ماهی زهره بوزیدان
از هر یک یکدرم بذر البنج یکدرم و نیم سورنجان و تربد از هر یک
سه درم جند بیدستر نیم درم با آب کنند شیاف سازد شیاف زحیر
زعفران حضض مرافیون کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازد
شیاف حنا حبس قولنج بگشاید و طبع را نرم کند صفت آن بنفشه ده درم

سنا مکی

سنا مکی پنج درم خطمی سه درم نمک هندی یکدرم عسل خیار چنبر
و شکر سرخ از هر یک ده درم شیاف سازد شیاف مفتح که همین خاصیت
دارد صفت آن بنفشه پنج درم سقمونیا و نمک هندی از هر یک ده درم
بوره ارمنی و تربد از هر یک سه درم قرا قروت و قاند
از هر یک پنج مثقال شیاف سازد شیاف [illegible] بوره ارمنی ده درم
شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم
شکر سرخ ده درم شیاف سازد شیاف فرفیون ضعف مثانه
و سلس البول و فتق را نافع باشد و باه را قوت دهد صفت آن
نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام تلخ کرده
حب الزلم از هر یک ده درم فرفیون جند بیدستر سداب از
هر یک سه درم مقل ده درم با آب کنند شیاف سازد
شیاف که مقوی باه است صفت آن حلتیت فرفیون از هر یک
یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازد شیاف
که همین منفعت دارد صفت آن پیه سوسمار زهره کرکس حب القطن عاقرقرحا
مساوی کوفته و بیخته بروغن سنبل شیاف سازد شیاف که استسقا

طبلی را نافع بود و بادها دفع کند صفت آن سداب حرمل رازیانه
تخم کرفس تخم بوره ارمنی از هر یک یک درم شکر سرخ نیم درم
باب سداب شیاف سازند شیاف که خون قی را از بواسیر باز دارد
صفت آن کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرمه زاج اسعد
از هر یک یک درم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل سرشته شیاف
سازند شیاف که همین خاصیت دارد صفت آن قطوریون دقیق
پنج سوسن انزروت از هر یک یک مثقال مازو نیم مثقال
زنگار دانگی بعسل سرشته شیاف سازد شیافی که همین
منفعت دارد صفت آن اقاقیا لحیة التیس گلنار گل ارمنی از هر یک یک درم
ودع سوخته و سعد اب (?) از هر یک نیم درم باب لسان الحمل
یا آب خرفه سرشته شیاف سازد شیافی که همین عمل کند صفت آن
عصاره لحیة التیس اقاقیا جفت بلوط دم الاخوین از هر یک یک درم
مرسعید اب (?) صدف سوخته از هر یک نیم درم باب لسان الحمل یا آب
خرفه سرشته شیاف سازد شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند الود
صفت آن زرچینن (?) بخور (?) نیم درم صابون رقی خطمی نمک طعام از هر یک دو درم

شکر سرخ نیم درم شیاف سازد شیافی که اسهال دم را نافع بود
صفت آن مر آقاقیا بزر البنج صمغ عربی بریان کرده مساوی کوفته
و بیخته باب مورد سرشته شیاف سازد شیافی که شکم بندد
صفت آن اقاقیا صمغ عربی گلنار کرمازج بلوط برنج بریان کرده
ذرت بریان کرده کوفته و بیخته شیاف سازد شیافی
که نافعست از جهه زحیر و اسهال دم صفت آن صمغ عربی اقاقیا
افیون مازو بذر البنج کندر گل ارمنی ارز مشوی مساوی کوفته
و بیخته باب مورد سرشته شیاف سازد شیاف ثقل سمع
و دوی و طنین که سبب آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغمی گوش و
طرش که سبب آن اخلاط غلیظ باشد زایل کند صفت آن
شحم حنظل یک درم بوره ارمنی سه درم جندبیدستر زراوند
گرد عصاره افسنتین از هر یک نیم درم قسط دانگی فرفیون
دانگی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و شیاف سازند و وقت
حاجت یکی را از آن در روغن بادام تلخ نیم گرم در گوش چکانند
شیاف غذ بوط مجامعت را قوت دهد صفت آن اقاقیا آمله
صمغ چوب گز

کلنار صمغ عربی کوفته و بیخته با آب مورد بسرشته و شیاف سازد
و پیش از مجامعت استعمال نماید شیاف مقل در روغن مغز
استخوان زردالو حل سازند و با صبر و زهره کاو و پوست انار سوخته
سرشته تر دارند شیاف نوعی دیگر صفت آن صبر بوره ارمنی زرنیخ شقف
با دام تلخ هر یک یکمثقال با زهره کاو شیاف کرده استعمال
نمایند شیافی که از جهة کرم کوچک که در معاء سفلی اطفال باشد
سود دارد صفت آن شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز استخوان
زردالوی تلخ برابر کوفته شیاف سازد باب العا
صبغی که بهق ابیض را برنگ بدن آورد صفت آن تخم ترب شیطرج
هندی فوه کندش خردل کوفته و بیخته بسرکه کهنه تر کند و در آفتاب
بمالند صبغی که برص را رنگین کند صفت آن شوره شب یمانی
فوه کوفته و بیخته بدرد شراب تر کند و چند نوبت بمالد صبغی
که همین خاصیت دارد صفت آن شیطرج عاقرقرحا حضض خردل
شونیز گل شقایق زرنیخ زرد فوه مساوی کوفته بخون کبوتر سرشته
بمالد صبغی که همین عمل کند صفت آن شیطرج هندی فوه نیل شب یمانی

کل

کل سرخ کوفته حنا بوزن در سرکه خیسانند و روز دیگر بمالند
صبغی که بهق اسود را ببرد و برنگ بدن آورد صفت آن
تخم ترب ده درم کندش قسط از هر یک دو درم بسرکه کهنه بمالند
صبغی که رنگ سرخ گرداند صفت آن زعفران فوه کندش
مصطکی مساوی کوفته با آب بلبوس تر ساخته شب بمالند و صباح
باب گرم بشوید صبغی که نشان آبله و جراحت و ریشها برد
و برنگ بدن آورد صفت آن مردارسنگ سفیداج نی کهنه آرد نخود
آرد برنج استخوان پوسیده مغز تخم خربزه حب البان قسط
کوفته بلعاب حلبه و بزرکتان شب بمالند و صباح بسبوس بنفشه و آب
گرم بشوید صبغی که همین خاصیت دارد صفت آن ایرسا قسط
مردارسنگ مغسول شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق
کوفته مساوی بماء الشعیر بمالند باب الضماد و الطلا
صلابه طحال را نافع است صفت آن مقل ده درم اشق کندر مریم باقلا
کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترمس سنبل از
هر یک نیم درم انجیر زرد بیست و چهار درم کوفته و بیخته بروغن

سداب و روغن بابونه ضماد کنند ضمادی که نافعست از جهت
اورام معده و صلابت جگر صفت آن زعفران و صبر از هر یک یکدرم
افسنتین و سنبل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته باب گرم ضماد
کنند ضماد حی العالم نافعست از جهت حرارت و ورم جگر صفت آن
بنفشه حی العالم چهار مثقال کافور یکدرم کوفته باب کشنیز تازه
ضماد کنند ضماد دیگر که ورم جگر را نافع بود صفت آن جو در سرکه
جوشانند تا مهرا شود پنجدرم طباشیر سعید فوفل از هر یک
نیمدرم افسنتین ورق گل سرخ قصب الزریره صندل سعید ساف
ماميثا از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته در لته کتان
مالد و بر موضع جگر اندازد ضماد شعیر بنفشه سبوس گندم آرد
جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک مساوی کوفته بروغن بادام ضماد
کنند ضماد دماميل صفت آن بزرک حلبه از هر یک ده درم میعه سایله
چهار درم موم ابیض بیست درم با روغن یاسمین ضماد کنند ضماد
که شکم به بندد صفت آن اقاقیا مر آمله کندر سعد اذخر سنبل مصطکی
از هر یک پنجدرم کعک ده درم کوفته و بیخته باب بضماد کنند

نمود

ضمادی که معده بارده را گرم کند و قوت دهد صفت آن
سعد مصطکی سنبل قسط افسنتین از هر یک پنجدرم اذخر
آمله قرنفل دارچینی قصب الزریره از هر یک دو درم کوفته
و بیخته باب به ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه معده را
تحلیل دهد صفت آن مقل حب البان تخم کرنب از هر یک دو درم
سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنجدرم موم سه درم
روغن ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کند و باقی
ادویه را کوفته اضافه نماید و با روغن ضماد کنند ضماد
دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن حلبه شب یمانی خطمی بزرک
روغن بابونه پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد الصندلین
جهت معده و جگر گرم نافعست صفت آن صندل سرخ
شیاف ماميثا کافور کوفته و بیخته باب عنب الثعلب و قدری
سرکه ضماد کنند ضماد [illegible] صندل سرخ و سفید بنفشه
نیلوفر فوفل سنبل مصطکی میعه سایله از هر یک سه درم
ورق گل سرخ بابونه بزرگ افسنتین اکلیل الملک پرسیاوشان

از هریک پنج درم زعفران یکمثقال روغن بابونه سی مثقال
موم زرد پنج مثقال ضماد سازند ضمادی که استسقاء زقی و استسقاء لحمی
را که با آن حرارت باشد نافع بود صفت آن آرد جو سعد
پیک کوسفند کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته
بسرکه ضماد کنند ضمادی که نفخه طحال اسود دارد و صلابت آنرا
نرم کند صفت آن سذاب ده درم بوره ارمنی و فودنه از هر یک
سه درم اشق هفت درم بسرکه کهنه ضماد کنند ضماد الاشق
که نفخه طحال را سود دارد صفت آن اشق مقل بوره ارمنی نمک
هندی از هریک چهار درم اشنه کزمازج از هریک شش درم
سذاب هشت درم کوکرد ده درم انجیر ده عدد انجیر را
در سرکه بپزد و اشق و مقل را دران بگدازد و باقی ادویه را
کوفته و بیخته اضافه نماید و ضماد کند ضمادی که وجع رحم
و بواسیر را تسکین دهد صفت آن زعفران افیون بزر البنج پیه مرغ
از هریک ده درم خطمی و برگ از هریک پنج درم زرده تخم
مرغ نیم پخته یک بیضه بروغن استخوان زرد آلو ضماد کنند

کوارند

ضمادی که از جهت فتق نافع باشد صفت آن جوز السرو دو درم
سعد مر صمغ عربی مرزنجوش مازو بارزد اقاقیا کندر
از هریک یک درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند
ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن جوز السرو صبر و رق
سذاب بارزد بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط
ضماد کنند ضمادی که همین منفعت دهد صفت آن مصطکی
کندر انزروت جوز السرو برگ سرو مد سرشن بلوط
مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که نقرس بارد را
سود دارد و بقایای اورام را تحلیل دهد صفت آن مقل کندر
حلبه بزرک اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضمادی
که پیکان از بدن بیرون کند صفت آن اشق تبار زر کرسنج
نی کوفته بعسل ضماد کنند ضماد الصبر صفت آن برودت معده
و کبد و طحال را نافع بود صفت آن افسنتین سنبل الطیب سلیخه
صبر سقوطری از هریک سه درم عود بلسان زعفران
از هریک دو درم موم سفید هشت درم موم را در روغن

ناردین یا روغن قسط یا روغن زنبق بگیرد و باقی ادویه را
کوفته و بیخته با آن تر سازد و ضماد کند ضمادی که ضعف معده که
سبب آن حرارت باشد نافع بود صفت آن حب الآس آمله
عود گلنار بزرگ مورد پوست به و پوست سیب گل سرخ
قصب الذریره صندل سرخ و سفید جمله کوفته و بیخته
بگلاب و آب سیب ضماد کنند ضمادی که نقرس و اورام
حاره را نافع بود صفت آن صندل سرخ عدس مقشر و فوفل
شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی
ضماد کنند ضماد قیطاریون لقوه و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه
و درد دندان را نافع باشد و نزلات را از چشم منع کند و آن
بر صدغین ضماد کنند و چون بر مثانه ضماد کنند بول براند
و چون بر گزندگی عقرب مالند درد ساکن گرداند و چون بر شکم
ضماد کنند اورام اعضای باطنه را نافع بود صفت آن رعی الحمام
ده درم موم سفید ده درم راتینج سه درم روغن زیت
چهل درم موم و راتینج را در روغن زیت بگدازد و رعی الحمام

کند ضمادی که از جهت برص اطفال نافع باشد صفت آن
زرنیخ سرخ شب یمانی کوگرد از هر یک یک درم زفت
رومی ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازد و
داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشد و ضماد کند
ضمادی که استسقاء طبلی را سود دارد صفت آن بابونه اکلیل الملک
مرزنگوش شبت پودنه از هر یک ده درم زیره
کرمانی سه درم کوفته و بیخته با آب سذاب بسرشند
و ضماد کنند ضمادی که ورم بلغمی را معده را نافع بود
صفت آن جعده پنج درم اکلیل الملک حماما بابونه سنبل مصطکی
از هر یک ده درم افسنتین سنبل صبر از هر یک نیم درم
کندر شش درم اصل خطمی پانزده درم پیه بط دوازده
درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی درم ضماد سازند یک
چنانکه رسمست ضماد بواسیر تخم کندنا بزرگ مقل ازرق از هر
پنج درم بروغن گاو سرشته ضماد کنند ضمادی که قروح
مقعد را نافع است صفت آن افیون زعفران از هر یک

نیمه آنک مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیز نیم درم
روغن گل پنج درم ضماد سازد چنانکه رسمست ضمادی
که اخراج رشیمه و چنین میت کند صفت آن شحم حنظل قسط
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو بسرشند
و ناف ضماد سازد ضمادی که صداع بارد را نافعست
صفت آن بابونه اکلیل الملک درمنهٔ ترکی شبت ورق الغار
مرزنگوش مساوی روغن خیری ضماد کنند ضمادی که اسهال
صفراوی را نافع بود صفت آن برگ مورد گل سرخ گلنار
صندل مازو و آمله لادن سماق اقاقیا حضض مساوی
کوفته و بیخته بآب مورد سرشته بر شکم ضماد کنند ضمادی
که زلق الامعاء بلغمی را نافع بود صفت آن لادن سعد مصطکی
قصب الذریره اذخر مرزنگوش از هر یک پنج درم عود
جوزبوا قرنفل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بآب
مورد ضماد کنند ضمادی که بول دم را حبس کند صفت آن گل ارمنی
گل مختوم صمغ عربی تخم خرفه کثیرا ورق گل سرخ گلنار

دو درم ضماد سازد چنانکه رسمست ضمادی که ورم باد
خصیه را نافعست صفت آن آرد باقلا حلبه بابونه زیره مویز
منقی روغن کنجد ضماد کند ضمادی که خنازیر را تحلیل دهد
صفت آن کثیرا پنج درم نانخواه دو درم صبر یکدرم بآب
کشنیز ضماد سازد باب الطلا طلائی که از جهت صداع حار
نافع است صفت آن صندل سرخ و سفید تخم کاهو
از هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم
زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم
پنج لفاح یکمثقال بآب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین
طلا کنند طلائی که ورم پس گوش را نافعست صفت آن
صندل سرخ فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران مر مساوی
بگلاب طلا کنند طلای رعاف آرد جو گلنار اقاقیا عصارهٔ
لحیة التیس افیون صندل سفید از هر یک سه درم کافور
دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی طلا کنند طلائی که همین
خاصیت دهد صفت آن اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار

در رعاف

مساوی کوفته وبیخته باب مورد یا باآب برگ تاک یا بآب
لسان الحمل سرشته بر پیشانی طلا کند طلائی که مو را از ریختن
نگاه دارد صفت آن اپرسیا وشان لادن افسنتین حب الغار
مساوی کوفته بروغن زیت بیخته طلا کند طلائی که شکافتن
وشکستن موی را سود دارد صفت آن برگ چغندر لعاب بزرقطونا
در حمام بر سر وریش طلا کند طلائی که سبوسه سر را دفع کند
صفت آن آب برگ چغندر چهل درم بوره ارمنی دو درم زهره
گاو یکدرم بعسل سرشته بر سر طلا کند طلائی که منع انبات
موی کند صفت آن وزغ را در سایه خشک کرده بسایند ودو
سنگ پشت بهری خشک کرده وآهک بوره ومرداسنگ
وصدف سوخته از هریک قدری باب بسرشد چون موی
بغل وعانه را برکنده باشد بران طلا کند ونیک بمالد دیگر
برانجا موی نروید وجمیع مخدرات ومبردات همین عمل
کند چند بار دیگر موی نیارد طلائی که درین باب مجرب است
صفت آن اشیره الخیر وخایه مورچه وزبد البحر وترشی ترنج

انهر

مورد

از هریک قدری بیکدیگر ممزوج سازد وموی را برکند
وسه بار بر آن موضع طلا کند منع انبات کند واگر پیش
از بلوغ وانبات عانه این طلا را استعمال کند موی
از انجا نروید طلائی که موی ابرو یاند وداء الثعلب را نافع
بود صفت آن لادن سوخته چوب کتان کل شقایق بروغن
مورد طلا کند یا برگ مورد کوفته بالادن وروغن مورد
مصطکی بمالند یا نفاح اذخر وقرنفل وسعد ومازو کوفته
وبیخته با شراب طلا کند یا سم استر سوخته با روغن دنبه
بمالد بعد از آنکه پیاز عنصل چندان مالیده باشد که برآمده
کرده باشد نافع بود واگر زبد البحر وبرنجاسف سوخته
بروغن زیت طلا کند همین خاصیت دهد طلائی جهت
زرد چوبه حزبره از هریک هفت مثقال زراوند طویل هفت
مثقال زرنیخ اشغال از هریک سه مثقال گوگرد زرد گوگرد
فارسی از هریک پنج مثقال گوگرد لاری ده مثقال روغن دنبه
نیخ استار روغن کاجیره سه استار سرکه سه استار ماست گاومیش

ده استار سه شب طلا کنند و صبح بحمام روند طلای
که حکه و جرب یابس را نافع بود صفت آن مغز استخوان بز زرد آلوی
تلخ تخم ریباس از هریک بیست درم نمک طعام و زرنیخ
از هریک ده درم مجموع را در بیست درم ماست ممزوج
ساخته در حمام طلا کنند و یکساعت بگذارد پس بشوید
طلای که همین خاصیت دارد صفت آن زیبق مقتول خطمی تخم حنظل
اقلیمیای نقره عدس مقشر مساوی بروغن گل و سرکه طلا کنند
طلای که همین خاصیت دارد صفت آن مغز بادام تلخ سنا مکی
مردارسنگ از هریک سه درم گوگرد دو درم بسرکه و روغن
طلا کنند طلای که از جهه جرب رطب نافع است صفت آن کندش
باقلا مردارسنگ از هریک ده درم نمک پنج درم بسرکه
و روغن گل تر ساخته در حمام طلا کنند طلای که همین منفعت دارد
صفت آن زرد چوبه بوره مرقشیشا کندش از هریک یکدرم مسعه
سایلیه پنج درم بروغن گل تر ساخته در حمام طلا کنند و سه ساعت
بگذارد پس بسبوس و آب گرم بشوید طلای که همین خاصیت

صفت آن گوگرد زرد یکمثقال پیه بز دو مثقال روغن گل ده مثقال
پیه را در روغن بگدازد و گوگرد صلایه کرده بدان
ممزوج سازد و شب بمالد و صباح در حمام بشوید
طلای که همین منفعت دارد صفت آن اشیاف مامیثا اقاقیا
از هریک چهار درم اشنان و نوشادر دانگی زعفران
یک طسوج کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه تر کرده طلا کنند
طلای دیگر زیبق مقتول پنج درم کندش ده درم زراوند
طویل هفت درم بروغن گل سه روز طلا کنند طلای دیگر
عاقرقرحا مویزج خردل حنا زیبق مقتول گوگرد موم مساوی
بروغن دنبه ممزوج ساخته طلا کنند طلای که هم از جهه جرب
نظیر ندارد و مکرر بتجربه رسیده صفت آن گوگرد حنا از
هریک یکمثقال پوست بلیله زرد زیبق مقتول شطرج هندی
از هریک یکمثقال فلفل دانگی روغن دنبه بیست مثقال بطریق
مذکور ممزوج سازد و شب بمالد و صباح در حمام
بسبوس و سرکه و آب گرم بشوید طلای که از جهه حکه

صفت آن تخم خشخاش اسفاناج کوفته در سرکه خیسانند و در حمام
بمالند طلائی که حکه خصیه را نافعست صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر
داکلی زعفران طسوجی کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه تر کرده
طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان نوشادر داکلی زعفران
یکطسوج کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه تر کرده طلا کنند
طلائی که همین خاصیت دهد صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک سه درم صبر نوشادر از هر یک چهار دانگ
نشاسته یکدرم بگلاب و سرکه طلا کنند طلائی که قوبا را
نافع بود صفت آن گوگرد دو درم سفیداب [illegible] درم مورد سرخ
یکدرم بسرکه طلا کنند چنانکه زمست طلائی که همین خاصیت دارد
صفت آن اخربق سفید چهار درم ترمس صدف سوخته
بطرون از هر یک سه درم کوفته و بیخته طلا کنند طلائی
که همین منفعت بخشد صفت آن اشق ترمس از هر یک یکدرم

بورة

بورهٔ ارمنی دو درم بسرکه کهنه سرشته طلا کرده بعد از
ساعتی باب گرم بشویند طلائی که قطع ثالیل کند صفت آن
مازو شب یمانی تخم جرجیر کوفته و بیخته بسرکه و زهرهٔ گاو
سرشته چند نوبت طلا کنند طلائی که سوختگی آتش را نافع
بود صفت آن عدس مقشر گل سرخ بپزد تا مهرا شود پس بعد از آن
وآرد جو و روغن گل با آن بیامیزد و طلا کنند طلائی که [illegible]
و آماس نرم که بعد از بیماری پیدا از در پا و پشت چشم و
روی پیدا شود زایل کند صفت آن صبر اقاقیا مر سعد شیاف
مامیثا زعفران حضض گل ارمنی کوفته و بیخته مساوی بسرکه
و آب عنب الثعلب طلا کنند طلائی که صداع را نافع باشد
صفت آن مر زعفران افیون بزر البنج کندر مساوی بگلاب
تر کرده بر صدغین طلا کنند طلائی دیگر تخم نیلوفر بنفشه تخم کاهو
از هر یک سه درم پوست خشخاش و شیاف مامیثا
از هر یک دو درم صندل سرخ و سعد از هر یک دو مثقال
کوفته و بیخته باب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا

کند طلای که اسهال و قی باز دارد صفت آن گل سرخ پنج درم
اقاقیا گلنار رماز دشت یمانی جوز السرو صندلین عدس از هریک
و برگ مورد از هریک سه درم طباشیر دو درم نانخواه
بر شکم و معده و پشت طلا کند طلای که ورم حار جگر را نافع بود
صفت آن بنفشه خطمی آرد جو از هریک هفت درم گل سرخ چهار درم
صندل سرخ و سعد بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم
کشوث نیلوفر از هریک دو درم شیاف مامیثا سه درم
ریوند چینی یک درم سنبل پنج درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی
طلا کند طلای که ورم حار خصیه را نافع باشد صفت آن بابونه
اکلیل الملک خطمی شیاف مامیثا پوست در بندی
از هریک هفت درم صندل سرخ و سعد از هریک سه درم
بنفشه دو درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند
طلای که افراط حیض را باز دارد صفت آن گل سرخ عدس مقشر
از هریک پنج درم اقاقیا گلنار صندلین از هریک سه درم
گل ارمنی چهار درم بلوط و طباشیر از هریک یک درم کوفته و بیخته

بارد

بآب به برعانه و پشت طلا کند طلای که از جهت بنات اللیل نافع
بود صفت آن خطمی بابونه اکلیل الملک از هریک چهار درم زرنیخ سرخ
دربندی از هریک یک درم شیاف مامیثا از هریک یک درم
و نیم آرد باقلا سه درم کوفته و بیخته بآب کرفس طلا کنند
طلای که جهت سعفه تر که بر روی اطفال باشد نافع بود صفت آن
سعید ابار زیر گل سرخ دو درم گلنار و زرد چوبه از
هریک یک درم کافور طسوجی موم سفید دو درم و نیم روغن
گل ده درم موم را در روغن بگدازد و باقی ادویه را کوفته و
بیخته بآن ممزوج سازد و طلا کند طلای که همین خاصیت دارد
صفت آن اشنان و سرب مرداسنگ از هریک پنج درم گل
ارمنی حضض پوست انار از هریک سه درم حنا و قنبل از
هریک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هریک
دو درم بگلاب تر ساخته طلا کند طلای که از جهت سعفه مقشر
برگ چهار درم حنا و مازو از هریک دو درم روغن
دنبه طلا کند طلای که همین منفعت دهد صفت آن آب برگ چغندر

روغن دنبه از هر یک صد درم بجوشانند چندانکه آب برود
و روغن بماند بعد از آن برگ مهک و حنا از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته با آن ممزوج سازد و طلا کنند طلائی از جهت سعفه که
در بدن اطفال پدید آید صفت آن زرد چوبه حنا زراوند مردارسنگ
پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند طلائی از جهت سعفه کهنه
صفت آن نمک سوخته زاج سوخته گوگرد خاک زیبق مازو
زرد چوبه زراوند مردارسنگ کوفته و بیخته بروغن گل و
سرکه طلا کنند طلائی که سعفه تر را نافع بود صفت آن نمک و اشنان
بسرکه تر کرده چند نوبت بمالد و اگر صابون رقی بگلاب
بزنند تا کف برآرد بعد از آن بیخ بنفشه و موم سفید و روغن
بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند
و یکساعت بگذارند پس بآب گرم بشویند سعفه را مستاصل
نماید طلائی که شپش را دفع کند صفت آن میویزج شوره از هر
یکی دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مقتول یکدرم
بسرکه و روغن گل طلا کنند و اگر بدن را بروغن گاو چرب کنند

دبا

٨٠

و بآبی که در آن گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند
بشوید نافع است طلائی که همین خاصیت دارد صفت آن
میویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی بروغن زیت بر بدن
طلا کنند در حمام بعد از آنکه عرق کرده باشد طلائی که کلف را
ببرد صفت آن پوست تخم مرغ اشنان بآب خربزه پرورده
آرد جو بیخ نی پوست عدس آرد باقلا فوفل کف دریا
مامیران چینی مساوی بآب ترب طلا کنند طلائی که برص را
ببرد صفت آن سپندان سفید زرنیخ سرخ مساوی بشیر تازه طلا
کنند طلائی که اثرهای زردی ببرد صفت آن زراوند مدحرج
شیطرج هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود
عدس سرخ از هر یک پنج درم بسفیده تخم مرغ تر ساخته
شب طلا کنند و صباح بآبی که تخم خرفه نیمکوفته در آن
جوشانیده باشد بشوید طلائی که حصف را نافع باشد صفت آن
حنا و نمک کوفته و بیخته بسرکه تر ساخته در حمام بمالد و یکساعت
بگذارد پس بآب سرد و سبوس بشوید طلائی که جذام را نافع

بود صفت آن قنطوریون اشق فرفیون کوکرد زرد برک انجیر مساوی
بسرکه طلا کنند طلائی که از جهة کلف نافع بود صفت آن برس تخم
ترب تخم جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل مقل
باب برک ترب طلا کنند طلائی که بهق و برص را زایل
کند صفت آن فوه کندش شیطرج خردل تخم ترب بارزد
تخم حنظل خربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک جزو
شقایق دو جزو کوفته و بیخته در سرکه جنبانند یکشبانروز
در روز دیگر طلا کنند طلائی که بهق اسود و ابیض را سود دارد
صفت آن کل شقایق سقمونیا شیطرج تخم ترب خردل صمغ آلو
از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته در سرکه جنبانند یکشبانروز
بعد از آنکه در حمام کیسه بران مالیده باشند طلا کنند
و مروارید صلایه کرده با سرکه مالیدن همین عمل کند
طلائی که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج کند
صفت آن افسنتین سه درم برک شفتالو ده درم زهره کاو
یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند طلائی که چون بسر اقرع مالند

موی رویاند صفت آن فلفل کوفته و بیخته بزهره خوک و عسل سرشته
طلا کنند طلائی که شعیره و برده را نافع است صفت آن
کندر مر از هر یک یکدرم لادن شب یمانی بوره ارمنی
از هر یک دانکی و نیم موم نیمدرم بروغن زیت طلا کنند
طلائی که چون بر پیشانی و پشت چشم مالند ابتدای مدرا
سود دارد و ماده را دفع کند صفت آن شیاف مامیثا
صبر حضض مکی کل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران
مساوی باب کشنیز تازه یا آب کاسنی طلا کنند
طلائی که ورم چشم را بنشاند و درد ساکن کند صفت آن عدس مقشر
صندل سرخ کل سرخ از هر یک دو درم کافور دانکی و نیم
باب کاسنی بر پیشانی طلا کنند طلائی که شترناق را نافع
بود صفت آن صبر یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا مر اسد از
هر یک دو درم زعفران نیمدرم کوفته و بیخته باب مورد حضض
کل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران مساوی باب کشنیز تازه
یا آب کاسنی طلا کنند طلائی که ورم چشم را بنشاند و درد ساکن کند

صفت ان عدس مقشر صندل سرخ گل سرخ از هر یک دو درم
کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی و جبین طلا کنند
طلائی که همین خاصیت دارد صفت ان صبر شیاف مامیثا حضض
گل زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی صندل سرخ مساوی
با آب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند طلائی که صداع بادرا
نافع بود صفت ان مشک صبر فرفیون جند بید ستر صمغ عربی
عود زعفران از هر یک دو دانگ افیون دانگی و نیم با آب
کرفس یا آب مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ پاره کشند و بر
پیشانی و صدغین اندایند طلائی که حمره را نافع بود صفت ان
صبر زعفران اقاقیا فوفل گل ارمنی صندل سرخ شیاف
مامیثا با آب کاسنی یا آب عنب الثعلب طلا کنند طلائی
که سکته را نافع بود صفت ان خردل جند بید ستر بسرکه کهنه
طلا کنند بعد از انکه سر تراشیده باشد طلائی که لقوه را سود دارد
صفت ان صبر حضض گل مر از هر یک یکدرم زعفران دو دانگ
بگلاب طلا کنند طلائی که حفظ عین را سود دارد صفت ان

بسر

صبر حضض اقاقیا عصاره لحیة التیس آب عنب الثعلب طلا کنند
طلائی که اورام حار را نافع بود صفت ان صندل سرخ شیاف
مامیثا از هر یک سه درم گل ارمنی ده درم فوفل اقاقیا
حضض گل از هر یک دو درم سفیداب ارزیز مرداسنگ
از هر یک یکدرم قیمولیا پنجدرم کوفته و بیخته با آب کاسنی
بسرشند و گلولها سازند بر مثال کعبتین و در وقت حاجت
یکی از انرا با آب گشنیز تازه بسایند و طلا کنند طلائی
که شکم را ببندد و اسهال باز دارد صفت ان اقاقیا سعد
مر کندر کوک جوز السرو مازو گل سرخ آمله گل ارمنی
کادرس برنج عدس بلوط کنار بذر البنج صندل سرخ
با آب مورد یا آب برگ شکم طلا کنند طلائی که چون
خصیه اطفال مالند نگذارد که بزرگ شود صفت ان قیمولیا
و سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی و نانخواه
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بعسل در روغن مورد
چند نوبت طلا کنند طلائی که استسقاء لحمی را نافع بود صفت ان

از جهت ورم پستانهای
زن اسرب
با دست او
بمالش با دست خشک تا
پشم شاش آن آب
باشد در آب
انرا گیرد و بر ورم طلا
کند مجرب است

درمنهٔ ترکی صدف سوخته بورهٔ ارمنی سرگین گاو کهنه
مساوی بسرکه طلا کنند طلایی که منع آبستنی کند و اگر آبستن
باشد بچه بیندازد صفت آن سذاب خشک بطرون مساوی
کوفته و بیخته باب سذاب تر بسرشد و بر قضیب طلا کند
و مباشرت نماید طلایی که بر آبستنی معین باشد صفت آن
حب بلسان جاوشیر مقل بادآورد مساوی کوفته و بیخته
با زهرهٔ گاو بر قضیب طلا کند و بگذارد که خشک شود و
بعد از آن مجامعت کند زن آبستن شود طلایی که همین خاصیت دارد
صفت آن برگ سپند خشک بکوبد و با زهرهٔ گاو بر قضیب مالد
و مباشرت نماید طلایی که کراهت عرق زایل کند صفت آن
برگ گل سرخ و سنبل و سعد شب یمانی مر از هر یک قدری
کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته بر بدن طلا کند طلایی
که صنان را زایل کند صفت آن راسن زراوند طویل برگ خیار
کاغذ آبگینه مجموع سوخته زعفران مساوی کوفته و بیخته
باب مورد بسرشد و گلولها سازد و خشک کند بعد از آن

بغل را

٨٣

بغل را بجز اشد تا خون آلود شود و یک گلوله از آن بگلاب
سوده دران مالد و یک شبانروز بگذارد دیگر آن بشوید
طلایی که حبس عرق کند صفت آن برگ مورد گلنار مازو
مساوی کوفته و بیخته باب غوره و آب برگ مورد ترسازد
و بر بدن طلا کند طلایی که صنان را نافع باشد صفت آن
برگ چنار شب یمانی مر گل سرخ برگ مورد مرداسنگ
بغل را باب اشنان بشوید و داروها کوفته و بیخته بگلاب
ترساخته بر آن طلا کند طلایی که منع نزلات کند صفت آن
اقاقیا صبر شیاف مامیثا حضض گل ارمنی صمغ عربی
کوفته و بیخته بسفیدهٔ تخم مرغ بسرشد و بر پیشانی و شقیقه طلا کند
طبیخی که حیض براند صفت آن اسارون یکدرم سذاب یکدرم
رازیانه دو درم لوبیای سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند
و صاف کند و سه روز متوالی بازخورد طبیخی دیگر که
همین خاصیت دارد و مرد را نیز نافعست چون منی انسان
محتبس شده باشد صفت آن افسنتین درمنهٔ ترکی ترمس سداب

رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر سه عدد کلقند ده مثقال
بجوشاند چنانکه رست و صاف کند و سه روز متوالی بار
خورد و سه روز دیگر استراحت نماید و باز سه روز دیگر بخورد
همچنین عمل کند تا ادراری تمام واقع شود مطبوخ که قی باز
دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار دانه ده درم
مصطکی نعناع خشک از هر یک یک درم در یک رطل آب بجوشاند
تا به نیمه آید صاف کند و عود و سک از هر یک یک درم
کوفته و بیخته اضافه نماید و بنوشد مطبوخ دیگر که حیض را آرد
صفت آن لوبیا سرخ حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم
سذاب سه درم در سه رطل آب بجوشاند تا رطلی آید
صاف کند و قدری شکر اضافه کرده هر صباح چهار درم
بنوشد مطبوخ که همین منفعت دارد صفت آن لوبیا سرخ سه درم
فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه ده درم در پنج
رطل آب بجوشاند تا به نیم آید صاف کند و قدری ترنجبین
اضافه کند و هر صباح سه درم بنوشد والله اعلم

باب العین عطوسی که فالج و سکته و لقوه و امراض
بارده را نافع بود و شقیقه و دماغ را از اخلاط پاک کند
و عسر البول را سود دارد و اخراج مشیمه کند صفت آن
کندش شونیز فرفیون فلفل جندبیدستر زراوند طویل بلسان
مسک عاقرقرحا بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته در بینی دمد
عطوسی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن شحم حنظل فلفل
اسطوخودوس جندبیدستر از هر یک یک درم کندش هشت درم
کوفته و بیخته قدری در بینی دمد عطوسی از جهت نزلات آن را
نظیر ندارد صفت آن زیبق مقتول پنج مثقال با قدری سرکه
بدستهٔ آبگینه یا آهن نیک صلایه نماید تا کشته شود و سه مثقال
نمک هندی سوده داخل نماید و مغرفهٔ آهنین را پر از سرکه
سازد و اینها را در آن مغرفه ریزد و بر سر آتش نهد و سه
مثقال زردی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخورد آن دهد
و بدستهٔ آبگینه یا آهن بهم زند تا طعمه شود بعد از آن آن را
بوصلهٔ مشاقی پاک پالاید و آنچه در کرباس ماند بستاند

وچندان بآب بشویند تا پاک شود و چرک از آن برود
پس آنرا کلوله سازد و میان آنرا سوراخ کند و ریسمانی
دران بگذراند و در آب لیمو اندازد و بگذارد تا
محکم شود مانند حجری بعد از آن آنرا در روغن باره بجوشاند
و در محل حاجت نگاه دارد و بکار مشغول شود چندانکه
خواهد و چون خواهد که انزال شود از دهن بیرون آورد
والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب باب
غرغره از جهة ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت آن
نوشادر سه درم زنجبیل ونمک هندی شونیز عاقرقرحا
مویزج صعتر ایارج فیقرا ایرسا از هریک هفت درم بوره
ارمنی وج از هریک پنج درم زوفا دارفلفل از هریک ده درم
کوفته وبیخته بعسل سرشته با سکنجبین غرغره کند غرغره
که قروح حلق را نافع باشد صفت آن زاج سفید وسیاه کاغذ
محرق مازو سبز کندش جلنار زعفران از هریک یکمثقال نمک سوخته
نوشادر از هریک نیم مثقال کوفته وبیخته بسرکه غرغره کند

غرغره که همین خاصیت دارد صفت آن مازو سبز کاغذ سوخته
زنگار زاج سفید کوفته وبیخته بسرکه غرغره کند غرغره دیگر که
همین منفعت دارد صفت آن اصل السوس خرنوب کوفته
بعسل وگلاب غرغره کند غرغره دیگر که همین عمل کند صفت آن
کندر یک درم مازوی سوخته یک درم زنگار نیم درم کاغذ
سوخته یک درم ورق زعفران دانگی کوفته وبیخته در سرکه وعسل کرده
نیمگرم غرغره کند غرغره که فالج ولقوه وصرع را نافع بود
و سرو دماغ را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن ایارج فیقرا
وج خردل مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنه صعتر اصل السوس
پوست بیخ کبر کوفته وبیخته بعسل غرغره کند غرغره که سکته
و فالج وثقل لسان را سود دارد صفت آن مویزج خردل زنجبیل
عاقرقرحا فلفل دارفلفل بوره ارمنی ایرسا مرزنگوش مساوی
کوفته بسکنجبین غرغره کند غرغره خناق وذبحه صفراوی
و دموی را نافع باشد و حرارت لهاة بنشاند صفت آن گل سرخ
طباشیر نشاسته تخم گل زعفران از هریک دو درم تخم

کرفس سه درم مازو و سماق از هر یک یک درم قند چهار درم کوفته
بیکبیخته غرغره کند غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت
آن مویزج دانکی و نیم عاقرقرحا از هر یک یک درم کوفته و
بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کند غرغره که قلاع و استرخاء لثه و
دنجه را نافع بود صفت آن سماق برگ مورد گل سرخ زیتون همه را
جوشانیده و صاف کرده رب توت ده درم اضافه
نماید و غرغره کند غرغره که سقوط لهاة را که سبب آن رطوبت
باشد نافع بود صفت آن گلنار شش درم شب یمانی دو مثقال
نمک اندرونی دو مثقال و نیم اقماع الرمان و تخم گل از هر یک
یک درم و نیم کوفته و بیخته برب توت غرغره کند غرغره
که قلاع سوداوی را نافع بود صفت آن سماق گل سرخ گشنیز گلنار
برگ مورد خرنوب جوشانیده غرغره کند غرغره که نا رعفت
از جهه سرفه که سبب آن نزله باشد صفت آن گل سرخ گلنار
خرنوب بجوشاند و صاف کرده پیش از خواب غرغره
کند غرغره که روی را صاف و سفید و براق گرداند صفت آن

آرد جو

٨٦

آرد جو آرد نخود آرد باقلا نشاسته کثیرا تخم ترب کوفته
و بیخته بشیر تر سازد و شب بر روی مالد و صباح باب
گرم و سپوس بشوید غمره که همین خاصیت دارد صفت آن
آرد جو آرد باقلا و نخود از هر یک یک جزو عدس مقشر کثیرا
نشاسته زعفران از هر یک نیم جزو مغز تخم خربزه دو جزو
بسفیده تخم مرغ سرشته شب بمالد و صباح بآبی که در آن
پوست خربزه و بنفشه جوشیده باشد بشوید غمره که همین
خاصیت دهد صفت آن باقلا مقشر کرسنه ترمس تخم ترب
مغز تخم خربزه نخود نشاسته کوفته روی را بدان بشوید
باب اطریفل صغیر معده را قوت دهد و بواسیر را
نافع بود و باه را زیاده کند و رنگ را نیکو گرداند
و دفع سرعت انزال کند صفت آن پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه
و پوست بلیله و آمله مقشر و شیطرج هندی و سنبل الطیب
و فلفل و دارفلفل و زنجبیل و سعد از هر یک ده درم تخم شبت
و تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل

سه وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانروز در سرکه
جنبانند بعد از آن خشک کنند و صلایه کنند چندانکه بروی
آب بایستد و بته آب فرو رود و باقی ادویه را کوفته
و بیخته اضافه نماید و بعسل معجون سازد و بعد از شش ماه استعمال
نماید شربتی دو درم و بعضی دو درم مسک اضافه میکنند
فیروزنوش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض زنان حامله را که سبب
آن برودت باشد سود دارد و بادهای غلیظ را دفع کند
صفت آن فرفیون عاقرقرحا سنبل زعفران از هریک هشت درم
افیون و بزرالبنج از هریک بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
و بعد از شش ماه استعمال نماید فیروزنوش ممسک معده را قوت
دهد و باه را زیاده کند و سرعت انزال را دفع کند صفت آن
پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی شیطرج هندی
تخم کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان مسک
از هریک شش درم پوست هلیله آمله مقشر نانخواه دارفلفل
از هریک چهار درم تودری خرفه سنبل جوزبوا زنجبیل فلفلمویه از

هریک

هریک هشت درم سعد ده درم مشک ده مثقال عنبر یکمثقال
خبث الحدید بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل مصفی
دو وزن و نیم ادویه بطریق معهود معجون بسازند بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی دو درم بپند زبیب با شیر گاو تازه
فنداویقون درد معده و امعا را سود دارد و معده را گرم کند
و بادها بشکند صفت آن زعفران انجدان تخم سنداب تخم کرفس
زنجبیل حاشا مغز چلغوزه از هریک شش درم فلفل هشت درم
کنند یکمثقال بادام تلخ دو مثقال عسل دو وزن ادویه شربتی
یکمثقال تا دو مثقال فنداویقون نسخه دیگر منافع مرد و قریب
بیکدیگر است صفت آن زنجبیل فلفل سنبل از هریک شش درم
مصطکی نانخواه از هریک چهار درم تخم کرفس و فودنه از هریک
پنج درم زیره کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا از هریک
دو درم سادج هندی یک درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازد
فلونیا رومی این معجون مبارکست و نزلها باز دارد و درد
ساکن گرداند و قی دم و اسهال دموی و قولنج و همچنین د

سیلان طمث را نافع باشد صفت آن فلفل سفید و دار فلفل و بزر
البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال
تخم کرفس کوهی و سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس
فرفیون
بطی سه مثقال ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا
از هر یک یک مثقال مجموع را کوفته بعسل سه وزن ادویه معجون
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دانگی تا یک مثقال
از جهة قولنج در طبیخ شبت و از جهة درد کرده در طبیخ جعده
و از جهة درد معده در طبیخ انیسون و از جهة سپرز با سکنجبین
و از جهة مثانه طبیخ رازیانه و از جهة حبس خون در طبیخ سماق دهند
فلونیا فارسی استفراغ خون از هر موضع که باشد باز دارد و رحم را
قوت دهد و بادهای رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید
و اسهال و قی باز دارد و دردها را بنشاند و دماغ را قوت دهد
و حافظه را زیادت کند صفت آن فلفل سفید بذر البنج از هر یک
بیست درم افیون و گل مختوم از هر یک ده درم زعفران پنج درم
فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جندبیدستر یکدرم زرنبا

درونج

درونج مروارید ناسعه مشک از هر یک نیم درم کافور دانگی
و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی یکدرم فودنجی درد معده و جگر که سبب آن برد باشد
و حمیات بلغمی و تب ربع و تبهای کهنه را سود دارد صفت آن
فودنه نهری و فودنه کوهی و فطراسالیون سیسالیوس از هر یک
دوازده درم تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم کاشم
پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته و بیخته با آن وزن
ادویه عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم با آب گرم فلافلی
درد معده و شهوت کلبی را نافع بود و بادهای غلیظه را نافع
بود و هضم طعام کند صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک سی درم
حب بلسان ده درم حماما و سنبل از هر یک دو درم زنجبیل تخم
کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون باسن خشک از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته با سه مقابل ادویه عسل بسرشند شربتی یکدرم
با آب گرم فلافیون آکله و عفونت لثه را نافع باشد و گوشت
مرده را ببرد صفت آن اقاقیا دوازده درم زرنیخ سرخ و زرد

از هر یک یکدرم مر چهار درم آهک نزده هشت درم شب
یمانی شش درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و قرص
سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت استعمال
نمایند فتیله که رعاف را باز دارد صفت آن کلنار کرد آسیا
هر یک پنج درم افیون دانگی کوفته بحریر بیخته بعصاره سرگین خر
بسرشند و بخانه عنکبوت بگردانند و در بینی نهند بعد از آنکه
بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند فتیله دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن مازو سوخته و درسه که انداخته دو درم زاج سیاه
چهار درم شب یمانی شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته
فتیله را از کتان بسازند و بدان بگردانند و در بینی نهند
فتیله که همین منفعت دارد صفت آن کاغذ سوخته پوست تخم مرغ
سوخته اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم کوفته و بیخته
باب بادروج یا آب لسان الحمل سرشته فتیله را بدان تر سازند
و در بینی نهند فتیله دیگر که خون بینی برد صفت آن مر پوست انار ترش
از هر یک دو درم قصب الذریره بزر البنج از هر یک یکدرم و نیم

زاج

89

زاج و قرنفل از هر یک یکدرم فتیله را باب شراب تر کنند
و داروها را بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش بینی را
نافع باشد صفت آن زاج سیاه شب یمانی مرمازو محرق و توبال
مس سوخته از هر یک پنج درم زراوند طویل شش درم کندر
دوازده درم مجموع را کوفته در دو من آب بپزد و بپالاید
و باز بجوشانند تا بقوام عسل آید و فتیله را بدان آلوده
میکنند و در بینی می نهند تا بصلاح آید فتیله که چشم را نافع بود
صفت آن سعد سنبل صبر گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته باب فودنه
بسرشند و در بینی نهند و بعد از آنکه بینی را بگلاب و سرکه
چند نوبت شسته باشد و اگر شونیز را بریان کرده بکشیز تر
در سرکه کهنه خیسانند و با قدری روغن زیت در بینی چکانند
همین عمل کند فتیله که نافع است از جهة وجع گوش و ریم که
ازان آید صفت آن انزروت تخم مرو بعسل سرشته فتیله را
بدان آلوده کنند و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش ببرد
صفت آن انجیر سعید فربه بشکافند و تخم و عسل ازو جدا کنند

و بوره و قرد مانا و خردل کوفته و بیخته بدان بسرشند و فتیله
ساخته در گوش نهند و خردل و انجیر در گوش نهادن همین
عمل کند فرزجه که اخراج مشیمه و جنین میت کند صفت آن
زراوند مدحرج ابهل ترمس خرف از هر یک جزوی
کوفته بزهره گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که همین خاصیت دهد
صفت آن تخم حبازی خردل سعید مقل ازرق از هر یک جزوی
کوفته با قطران بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که مانع آبستنی گردد
صفت آن تخم حنظل قوقی سرگین فیل خردل حب فلفل استخوان
زعرور مساوی کوفته بمیعه سایله بسرشند و به پشم برداشته
هرگز آبستن نشوند و اگر آبستن باشد بچه بیندازد و گفته اند
که هر زن که حبه از حب القرع بلع کند یکسال آبستن نشود
و اگر دو دانه بخورد دو سال و علی هذا فرزجه که بچه زنده و مرده
بیندازد صفت آن اشنان فارسی عاقرقرحا شونیز سنداب
فراسیون از هر یک قدری کوفته و بیخته بروغن زیت بسرشند
و استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی یاری دهد صفت آن سرگین زهره گاو

٩٠

مایه خرگوش از هر یک قدری کوفته بعسل گرم کرده بسرشند
و به پشم پاره فرزجه سازند فرزجه که همین خاصیت دارد
صفت آن مسک زعفران سوده بزهره گاو بسرشند و به پشم
پاره احتمال نمایند فرزجه دیگر که همین منفعت دارد صفت آن
مایه خرگوش دارچینی عنبر زاج نبات مساوی کوفته
و بیخته بگلاب سرشته استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند
صفت آن امیران چینی سورنجان صبر رازیانه زبد البحر از
هر یک دانگی با شکر سرخ فرزجه سازند فرزجه که همین نفع دهد
صفت آن میعه سایله حند بیدستر مرقسط بارزد جاوشیر
مقل مسک کوفته و بیخته فرزجه سازند بعد از طهر چند بیت
و بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه دیگر
که همین عمل کند صفت آن مایه خرگوش و سرگین او بعسل سرشته
به پشم پاره بردارند سه شب و بعد از آن مجامعت کنند
فرزجه که بچه مرده فرود آورد صفت آن مر جاوشیر خربق سعید
مساوی کوفته بزهره گاو بسرشند و استعمال نمایند

قطران ظ

فرزجه که حیض براند صفت آن اشنان عاقرقرحا جاوشیر سنداب
از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم مازو حب الآس سماقی و
کوفته با آب گرم سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت
استعمال نمایند فرزجه که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود
و ورم صلب رحم را نرم گرداند صفت آن بابونه پیه بط افیون
موم مساوی به پشم پاره بردارند فرزجه که اورام رحم را
نافع بود صفت آن کندر انزروت دم الاخوین حب الآس
گل ارمنی اقاقیا کوفته با آب لسان الحمل سرشته به پشم پاره
بردارند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ و خوشبوی
گرداند صفت آن بسباسه سنبل مرزنگوش قسط کندر صعتر اذخر
گل سرخ پوست بیخ کبر ترمس مساوی کوفته به روغن سرشته
به پشم پاره بردارند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت آن
قفاح اذخر سعد عود قرنفل از هر یک یکدرم عنبر نیم درم
مشک دانگی آمله نیم دانگ کوفته بگلاب سرشته به پشم پاره
بردارند فرزجه که حکه رحم را که آنرا ابنة النسا گویند نافع باشد

صفت آن سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب
و قدری سرکه بپزند و به پشم پاره بخود برگیرند فرزجه که همین منفعت دارد
صفت آن زعفران کافور از هر یک دانگی مرداسنگ دو دانگ
حب الغار نیم درم کوفته و بچه بسفیده تخم مرغ و روغن گل
بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که حیض ببندد صفت آن گلنار
کندر مازو سرمه اقاقیا شب یمانی مساوی کوفته با آب
لسان الحمل بسرشند و فرزجه سازند و بر پشت عانه طلا کنند
فرزجه که همین منفعت دهد صفت آن کاغذ سوخته اقاقیا گلنار
عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو وصله کتان سوخته مساوی
کوفته بسرکه بسرشند و استعمال نمایند فرزجه که حیض براند
صفت آن مر فودنه از هر یک چهار درم ابهل هشت درم سداب
ده درم مویز منقی بیست درم کوفته بزهره گاو بسرشند
و فرزجه سازند فرزجه که ورم صلب رحم را نافع باشد
صفت آن کندر مقل بارزد از هر یک دو درم زعفران جاوشیر
اشق از هر یک یکدرم مصطکی جند بیدستر میعه سائله روغن